

خصوصیات تمدن بابلی:

تمدن بابلی اصولاً بر پایه بازرگانی تکیه داشت و بیشتر اسنادی که از آن زمان مانده جنبه تجارتي دارد و به خرید و فروش و وام گرفتن و قرارداد و مشارکت و دلالی و مبادله و وصیت و سفته و نظایر آنها مربوط می شود.

موقعیت بابل نسبت به راه‌های آبی دجله و فرات مردم را ثروتمند بارآورد و روح ما دیگری در میان ایشان رونق گرفت، و همین روح است که در آن تمدن مانند تمدن‌های دیگر پس از آن توانسته است تقوی و آزمندی را با یکدیگر سازش دهد. ادبیات آن زمان نشان می دهد که آن مردم زندگی پرفعالیت و مایه خرسندی داشته اند ولی از همه جای آن ادبیات آشکار می شود که مانند سایر مدنیت‌ها بندگی و خرید و فروش بردگان در کار بوده است دوره تکامل آن عهد حکومت است که بابل مرکز بورس برده داری است که برای کارهای نظامی و جنگی و اعمال به طرز بیگاری وامی داشتند. در زیر اجتماع بابلی طبقه بندگان همچون نهر خروشان در جریان بود طبیعی است که در چنین اجتماعی هرگز فکر دموکراسی راه پیدا نمی کند، شکل و رنگ اقتصادی آن خود مستلزم این

است که حکومت مطلقه‌یی متکی بر ثروت بازرگانی یا امتیازات تیولداری برقرار باشد و عنف و شدت قانونی را به صورت حکیمانه‌یی بر همه جا توزیع کند. و اوهام و خرافات را ترویج دهد.

در تمدن بابلی برمی‌خوریم که هیچ تمدنی از لحاظ پابند بودن با و خرافات بی‌پای تمدن بابلی نمی‌رسد و بازار کاهنان و ساحران و پیشگویان رایج است. اغراض مروجین این ادیان و خرافات آن بوده که مرد بابلی را مودب و فرمانبردار بار آورند نمونه‌های زنای مدقس را باید نام برد.

دوازده لوح شکسته که متعلق به کتابخانه آشور بنی پل به دست آمد، گویای حالت‌ترین اثراتی بین‌النهرین یعنی حماسه گیلگمش را در بر دارد نظیر حماسه ایللیاد است که رموز اجتماعی بابلیان را روشن می‌سازد در این ضمایم باید علم نجوم را مختص بابلیان بدانیم. بابلیان که مردم تجارت پیشه بودند و به همین جهت امید کامیابی در هنر بود از تجارت ریاضیات پیدا شد و علوم ریاضی علم نجوم را فراهم آورد.

باز دیری نپایید این قدرت بابلیان به همسایه شمالی خود آشور انتقال یافت.

آشوریان شاخه ای از نژاد سامی و از مشخصات آنها داشتن بینی دراز با لبهای کلفت و ریش بلند بود. کلمه آسور یا آشور اسم رب‌النوعی بود که ایشان می‌پرستیدند، این قوم زمانی که سومریان در نواحی جنوبی بین‌النهرین هنوز گرفتار دستجات دیگری از سامی‌ها نشده بودند در قسمت شمال بین‌النهرین شدند و شهر آسور در آخر نینوا را به پایتختی گزیدند تا اینکه به علت داشتن خوی و خصلت جنگجویی و درنده خویی که برعکس شجاعت و مردانگی از آن تعبیر کرده‌اند توانست ظلم و تسلط خود را بر اقوام و دولت‌های نه تنها بین‌النهرین بلکه تمام کشورهای آسیای قدیم اعمال نماید. با تسلط آشوری‌های مهاجم و جنگی بر اقوام زراعت پیشه و کشاورز بین‌النهرین مردم این منطقه را برده خویش ساخته و دسترنج آنها را با غراض خونخواری‌شان اختصاص دهند. بیش از دویست سال مردم بین‌النهرین ساز و برگ نظامیان آشوری را تغذیه دادند و امپراتوری متکی بر قدرت نظامی را نگه داشتند و همه جا را ویران ساختند تا شهر خودشان آسور را زینت دهند.

ویل دورانت می‌نویسد: اگر این اصل استعمار طلبی را قبول داشته باشیم نه به خاطر تسلط حکم قانون و انتشار امنیت و پیشرفت بازرگانی و

برقراری صلح بهتر آن است که دولتهای متعدد طوعاً یا کرهاً در زیر تسلط حکومت واحدی قرار گیرند. می‌توان گفت که دولت آشور دارای چنین مزیتی بوده که در سرزمین‌های وسیعی از مغرب آسیا حکومت وسیعی ایجاد کرده و نظم و آرامشی بیش از آنچه پیش از آن در این ناحیه بوده برقرار ساخته است.

حکومت آشور بنی پال که بر آشور و بابل و ارمنیه و سرزمین ماد و فلسطین و سوریه و فینیقیه و سومر و عیلام و مصر سایه می‌گسترده بدون شک وسیع‌ترین سازمان اداری بود که جهان مدیترانه یا شرق نزدیک تا آن زمان به خود دیده بود.

ولی در این محل قلمرو وسیع سرکوبی مردم بعنوان انضباط که نشان داده می‌شد باز از شورشهای محلی خالی نبود دولت آشور سیاست خاص را پیش گرفت که در تاریخ از مشخصات حکومت آشور به شمار می‌رفت، و در زمانهای بعد نیز جزو سیاستمداران ضد ناسیونالیستی گردید. آن سیاست عبارت از این بود که مردم شهرهای مفتوحه را به شهرهای دوردست کوچ می‌داد تا با مردم بومی آن نواحی در هم آمیزند و به این ترتیب وحدت و شخصیت خود را از دست بدهند و فرصت شورش

را نداشته باشند اما این سیاست هم چون نتیجه نمی‌داد بنابراین دولت آشور ناچار بود که پیوسته خود را برای جنگهای تازه آماده سازد به این جهت سپاهیان و جنگاوران حیاتی‌ترین دستگاه را در سازمان اداری کشور تشکیل می‌داد. سهمی که این حکومت به اصطلاح در تمدن جهانی دارد مربوط به هنر جنگ است: ارباب‌های جنگی، دسته‌های سواره نظام و پیاده و مهندسی در آن کشور تشکیلات منظمی را به وجود آور و تاکتیک‌های نظامی را بنیان نهادند و با هنر آشوری چه شهرهایی ویران گردید و چه تمدنهایی بر باد رفت و آدم‌کشی از افتخارات آنان بود و از اعمال خود هیچ اظهار ملامت ضمیر و پشیمانی نمی‌کردند. پادشاهان آشوری خود را نماینده آشور خدای آشوری‌ها می‌دانستند و کاهنان و نیروی دینی نیز از اعمال او در مقابل پادشاهان حمایت می‌کردند.

نقش‌هایی که در نینوا و سایر شهرهای آشور پیدا شد، بیش از هر چیز جنگ و زد و خورد به دست آوردن غنیمت‌ها، ویران کردن شهرها، اعدامها و به بردگی بردن اسیران را نشان می‌دهد. این نقش‌ها به این منظور فراهم می‌شد پادشاهان آشور و ارتش آن را خونخوار جلوه دهد و

۱ - ویل دورانت، کتاب اول، ص ۴۰۶

دشمنان را دچار وحشت سازد. این الواح که جزو اسناد تاریخی اند نمایانگر جنایات عالم بشریت است. باید از این الواح تاریخ جنایات نوشته شود نه تاریخ تمدن.

در کنار شقاوتها، امپراتوران آشوری برای جلال و رونق دادن به دستگاه خود از هنرهای عصر چون نقوش برجسته - مجسمه - ادبیات - کتابخانه نیز توجه شده است. ولی دوران این شکوفایی قدرت آشور دیری نمی‌پاید و زمانی که سلاطین آن در لوحه‌های خود بر قدرت و ثروت خود می‌بالیدند این شاهان بزرگ، شاهان مقتدر، شاهان جهان، شاه آشور در روزهای آخر از بخت بد خویش می‌نالند و آخرین لوحه‌ها که از آشوریان به ما رسیده سراسر درام آنهاست^۱.

عاقبت دسته ای از آرامی‌ها از نژاد سامی که بنام کلدانیها باشند به کمک مادها و ایرانی‌ها نینوا را در (۶۰۶ ق م) به تصرف آوردند^۲. با سقوط نینوا بابل دوباره زنده شد منتهی این دفعه به دست کلدانیها و بر بسیاری از سرزمین‌های بین‌النهرین قدرت یافت و شهر بابل به صورت

^۱ - یل دوران، کتاب اول، ص ۴۲۱

^۲ - تاریخ تمدن، مجید شبانی، ج ۱، ص ۵۱

یکی از عجایب دنیا در آمد و کانون تمدن آسیای غربی گردید تا اینکه به سال (۵۳۹ ق م) به دست کوروش سقوط کرد و نژاد آریایی ساکن نژاد سامی گردید.

روی هم رفته می توان گفت که آشوریان و به دنبال آنها کلدانیان بیشتر در کارها عمل نشان دادند. در اندازه حساب بیشتر وقت به کار بردند و برای تشخیص آینده شان از آسمان و سیارات مدد خواستند و به بررسی حال آنها پرداختند و توانستند مسیر سیارات را بدانند و خسوف و کسوف را تعیین کنند. ضرب و تقسیم را دریافتند ، اندازه و طول وزن را تعیین کردند و این مسائل از کلدانیان و آشوریان به سایر ملل و مردم رسید و تقویم زمان را به پایه گزاری کردند. سال را به دوازده ماه قمری و هفته و روزهای هفته را مشخص کردند و ساعت را اختراع نمودند و شبانه روز را به ۲۴ ساعت تقسیم می کردند و دقیقه و ثانیه را نیز مشخص نمودند این اختراعات و اکتشافات آنها در تحولات تمدن تاثیر بسزایی گذاشت و علوم نجوم در ریاضیات از ابتکارات آنهاست و بنیان دنیای جدید که بر پایه علم قرار گرفته بر اساس علوم کلدانیها استوار شده است.

نتیجه تسلط آریایی‌ها بر بین‌النهرین و نفوذ بعدی آنها به دریای اژه از شمال غرب و سرزمین مصر از جنوب غرب بزرگترین فرمانروایی دنیای قدیم را به وجود آوردند، این امپراتوری وسیع با تقسیم قلمرو آن به نام ساتراپها و احداث جاده‌ها و برقراری چاپارخانه‌ها در ارتباط تمدنها و گسترش اطلاعات ملل آن عصر نقش بزرگی داشته است.

پس متوجه می‌شویم که امور مربوط به اقتصادی و تجاری و یا قدرت نمایی لازمه‌ی آشنایی با خط و قراردادهایی بود که با آن قراردادهای خواسته‌ها به طرف مقابل تفهیم و توجیه شود و کاهن مصری و بین‌النهرین شاید اولین مخترع خط و چگونگی پیدا کردن آنها بر روی الواح و هنر مربوط به آن اولین مخترع خط و الواح در خاورمیانه باشند که این خط ابتدا در مصر به صورت تصویر که امروزه به نام هیروگلف و در بین مردم بین‌النهرین به صورت میغ که به کار رفته بنام خط میخی معروف است بعدها مردم فینیقی اصوات را ابداع کردند و یک حرف را با یک صدا به کار بردند.

بعد از خط و اصوات قدمهای اولیه در علوم چو هیأت در ریاضیات و سالنامه نگاری از همین منطقه برداشته شد. به دنبال آن از همه مهم‌تر

نخستین مجموعه مدون قانونی گرچه نمی‌توان به مفهوم حافظ حقوق انسان‌ها دانست ولی در ردیف خود یک نوع مقررات می‌شود نامید از آن حمله قانون معروف همورابی در ۱۹ قرن قبل از میلاد در این منطقه تدوین گشت باز از همین جاست که اولین سبک معماری و مسکن سازی نمودار شده، از جنبه معنویت اندیشه و افکار مردم این منطقه بود که سبب پیدایش ادیانی چون یهودی و مسیحی و اسلام گشت و پایه‌های شرک و بت‌پرستی به توحید مبدل گشت، در اینجا لازم می‌آید خلاصه گفتار ویل دورانت را در حق خاورمیانه خلاصه کنیم.

سهم خاورمیانه در تمدن جهانی

از زمانی که سرگذشت بشر مورد بررسی قرار گرفته و برای بشریت تاریخی تدوین شده است خاورمیانه مرکز امور و مسائل بشری شناخته شده، بعضی از نویسندگان حدود این منطقه را محدوده این قسمت از سطح زمین که نمی‌توان حدود و؟؟ قطبی برای آن قائل شد نژادهای مختلف با فرهنگهای متفاوت شبکه پیچ در پیچ فرهنگ و تمدن خاوری را ساخته‌اند، از آن جمله ابداع کشاورزی، بازرگانی، اهلی کردن جانوران، ساختن چرخ و ارابه، زدن سکه و نوشتن اسناد، پیشه و صنعت،

ریاضیات و پزشکی، هندسه و نجوم، تقویم و ساعت و منطقه البروج،
الفبا و خط نویسی، کاغذ و مرکب، کتاب و کتابخانه و مدرسه، ادبیات و
موسیقی، معماری و حجاری، سفال و کاشی سازی، وسایل تجملی،
انتخاب همسر، تربیت اولاد، اسباب و آلات و ادوات و جواهرات زینتی،
بازیها و سرگرمیها، نرد شطرنج، خوراک و مشروبات که همه شان را
می توان مادیان نامید بعد از این همه مادیات بشر فکر خود را به سوی
معنویات سوق داده چگونگی مسئله خلقت و زمان و کائنات و افلاک -
پیدایش اعتقادات از شرک و بت پرستی گرفته تا توحید - اعتقاد به معبد
و معبود، موضوع سرنوشت و مرگ، خوشبختی و بدبختی، ایجاد نظم و
انضباط، اعتقاد به حق و ایجاد قانون و اقدام به قانونگذاری و مقررات
حکومت را و ... همین فرهنگ و تمدن خاورمیانه بود که شیوع پیدا کرد از
راه جزیره کرت و یونان و روم وارد سرزمینهای غربی گردید. آریاییها
آنطوری که باید تمدنهای اساسی را به بار نیاوردهاند بلکه تحت تاثیر
تمدنهای بابل و مصر شدهاند و یونانیها بیشتر تمدنشان را از ملل
خاورمیانه اخذ کرده و با خصوصیات خویش در آمیخته اند ویل دورانت
معتقد است یونان در واقع همچون وارثی است که ذخایر سه هزار ساله

علم و هنر را با غنایم جنگ و بازرگانی از خاور زمین به آن سرزمین رسیده بنا به حق تصاحب کرده است. با مطالعه تاریخی مربوط به خاور نزدیک و احترام گذاشتن به آن در حقیقت وامی را که نسبت به موسسات واقعی تمدن اروپا و آمریکا ادا کرده ایم.

مصر و نقش آن در تمدن:

دومین منطقه از حوزه سیاسی و اجتماعی خاورمیانه در تاریخ دنیای قدیم سرزمین سفلی نیل و سرزمین مصر بوده است. وجود سرزمین‌های نسبتاً سطح در کرانه‌های نیل و برخورداری سرچشمه این رودخانه از باران‌های موسمی منطقه استوایی و طغیان‌های مرتب آن در فصول مرتب از سال کشاورزی را کم زحمت و ضمناً بارور می‌کرد، از ابتدا مردم حامی نژاد اینجا را مرکز تجمع خود قرار داده و آبادی‌هایی در امتداد نیل بنا نهادند و به کشاورزی مشغول شدند که خود به خود به طور مرتب در فصول سال آبیاری می‌شد و آب گل آلود نیل در فصول طغیان مردم این سرزمین را به اعتقاداتی واداشت که در تاریخ مذهب مصریان قدیم در خور مطالعه است.

به طور دقیق معلوم نیست که مصریان قدیم از کجا به این سرزمین راه یافته‌اند. عده‌ای حدس می‌زنند که مردم از اختلاط مردم نوبه و حبشه و اوبی بود، و بعدها مهاجران ارمنی به آنها اضافه شده است، موقعیت این سرزمین به آنها امکان داده تا جامعه منزوی و پایدار و ضمناً ثروتمند بار آیند اما با گذشت زمان ثورت و تمدن آن که روی به توسعه بود حکام آنان را به فکر دست اندازی به سرزمین‌های مجاور و راه یابی به مناطق دور و نزدیک نیز ساخته است و تاریخ چندین هزار ساله آن حاکی از برخوردها با همسایگان چون مردم لیبی و اتیوپی و تشکیل بیست و پنج سلسله از فراعنه و غلبه رومی‌ها و ایرانیان بر این کشور بوده است. مصریان از همان اوان تشکیل سلسله‌ها، سالنامه‌ای ترتیب دادند و به نوبت این عادت را کسب کردند که وقایع تاریخی خود را با سلسله‌های فراعنه دنبال کنند و از حدود ۲۵۰۰ سال پیش بناهای تاریخی و دینی ساخته و اهرام Piranids را بنا نهادند.

نخستین شخصیت تاریخی مصر که نمی‌توان او را شاه و یا کشورگشا نامید بلکه یک هنرمند و دانشمندیست به نام imhotep که طیب و معمار و رایزن اول فرعون Zose بوده است. این شخص به اندازه‌ای به علم

طب مصری خدمت کرد که پس از آن بتوان خالق هنر و علم او را می‌پرستیدند و سبک معماری مصر به دست او تاسیس شده است.

جامعه مصری در تمام فراز و نشیب‌ها در قالب اقتصادی خاص جای گرفت. در طبقاتی آن طبقه کهنه و نجبا در صدر هرم طبقه کوچکی بود وزیر آن توده عظیم مردم قرار داشت. فرعون و کارگذارانش بر جان و مال مردم حکومت می‌کردند. فرعون از دو کلمه "فر-عون" به معنی خانه عظیم در لغت آمده است. فرعون یعنی هیکلی که خدا در آن زندگی می‌کرد. از اعتقادات خاص مذهبی مردم مصر زندگی بعد از مرگ نقش اساسی دارد و برای این منظور بوده است که ساختمان قبور که اهرام نیز جزو آنها است اهمیت خاص داده می‌شد و صنعت مومیایی حاکی از این اعتقادات و زنده نگه داشتن جسم از معتقدات آنها بوده است.

بنای اهرام مصر نیز خود به این منظور است. اعتقادات پس از مرگ حاکی از پرستش خدای خاصی تمرکز می‌یافت بنام ایزیس که با نیل یکی شناخته می‌شد به اتفاق حاصلخیزی زمین را سبب می‌شد.

بعد از مذهب از هنر مصریان برشته ای از آثار برمی‌خوریم که از میراث تمدن بشری بشمارند هنر یا از اهرام و سبک معماری آن، مجسمه ابوالهل

Estenex، گورهای سنگی که باید به نام توحش بشری از آنها نام برد نه تمدن چه هر یک کوهی است از ظلم و شقاوت عصر، تزئینات دیواری، تراشکاری‌ها و حجاری‌ها و اشیاء زمینی لوازم خانگی که از حالهای بدوی به صورت‌های شکوفایی رسیده اند، هنر مجسمه سازی آن که با هنر یونان و روم برابری و از شاهکارهای هنری دنیای قدیمند و از ادبیات آنها اگر چه اثری بسیار برای ما نمانده ولی آنچه داریم نمایانگر دل آزرده‌گی و شادکامی آنهاست، البته فرعون آثار باقیمانده از تمدن مصریان قدیم در قسمت معماری و نقشه برداری و حسابداری و فلز کاری نساجی و سفال سازی و آشپزی و وسایل تدفین بخصوص مومیایی حال یکتایی دارد. مومیایی خود احتیاج به کالبد شکافی و مقدمات طب و جراحی را داشت اعمال آنها گرچه جنبه جادوگری و خرافاتی هم داشته است ولی به عالم طب جهان خدماتی کرده اند.

شناسایی تمدن باستانی مصر نتیجه جنگهای استعماری مصر در قرن اخیر است که هیئت علمی فرانسه به فرمان ناپلئون به آن سرزمین گسیل شدند و در میان آنان شامپولین باستان شناس معروف قرار داشت و با کمک او کتاب وصف مصر *Description de l'Egypte* نوشته شد.

سبک سقاره (پله پله) جزو فرهنگ مصر است و اهرام نیز با آن سبک بنا گردیده است. اهرام به منظور تاریخی ساخته نشد، بلکه در اصل یک معبد است و جنبه دینی آن بر جنبه هنریش غلبه دارد. بعد از سبک معماری مصری باید از طب مصر نام برد که بزرگترین افتخار مصر قدیم علم طب آن است و این علم به وسیله کاهنان پیدا شد (ما از چهار یک آنچه می‌خوریم مانده ایم و پزشکان از باقیمانده آن زندگی می‌کنند) گرچه در مجسه سازی و سنگ تراشی مصریان را نسبت به یونانیان و رومیان مقدم می‌دارند. در قسمت فلسفه نیز مورخان را عادت است که از یونان آغاز کنند در صورتی که قدمت مصر ۲۳۰۰ سال به کنفوسیوس و ۲۲۳ سال از سقراط و بورا می‌شود. بزرگترین فیلسوف عالم آن عهد را باید پتاع - هوتپ Ptah-Hotep مصری بدانیم، دین در مصر بالای همه چیز و پایین همه چیز بود. دین در هر یک از مراحل و به هر شکل از اشکال آن از طوطم تا فلسفه الهی و علم لاهوت در آن سرزمین وجود داشت و اثر آن در ادبیات و شکل حکومت و هنر و هر چیز دیگر جز اخلاق آشکار بود. نه تنها مظاهر دین در مصر حالت تنوع داشت بلکه این تجلیات به شکل

شگفت انگیز فراوان زیاد بود. در هیچ جای دنیا به اندازه مصر خدایان متعدد وجود نداشته است.

فرد مصری معتقد بود که آغاز آفرینش از آسمان شد، و این آسمان و رود نیل پیوسته بزرگترین رب النوع او به شمار می رفت - اجرای سماوی تنها جسم نیست بلکه صورت خارجی ارواح بزرگ خدایان صاحب اراده ای را نمایش می دهند. ماه یکی از خدایان قدیمی ولی در مراسم دینی خورشید عنوان بزرگترین خدا را داشت و بنام رع Ra یا ره Re می پرستیدند.

همه چیز را از خورشید می دانستند و گیاهان و حیواناتی را نیز از منشاء خورشید حساب کرده می پرستیدند. مهمترین صفت مشخصه دین مصری اندیشه خلود یا دوباره زنده شدن بود موجود را از در جفت ذاتی و معنوی می دانستند و روح را به نام ka کا تعبیر می کردند.

به عقیده تمدن شناسان پیشرفت های نخستین در کشاورزی و استخراج معادن و صنعت و مهندسی از سرزمین مصر است و به گمان بیشتر اختراع شیشه و بافتن پارچه های کتان و ساختن کاغذ، مرکب و ساعت و علم هندسه و حروف الفبا از کارهای مصریان است از لحاظ پیشرفت مفهوم حکومت و نگاهداری نظم عمومی سرشماری و پست و تعلیمات

ابتدایی و تربیت کارمندان اداری مصریان قدمتی دارند. همین مردمنده که سبب پیشرفت هنر خط نویسی شده و ادبیات و علوم طب را رونق داده‌اند، تا آنجا که شناخته شده مصریان برای نخستین بار تعریف و دستور آشکاری برای ضمیر فردی و ضمیر اجتماع وضع کرده و هم آنان منادی عدالت اجتماعی و نخستین مبلغ تک همسری و یکتاپرستی و نخستین مقاله نویسی در فلسفه اخلاق بوده‌اند و به اندازه ای در هنرهای معماری و مهندسی و حجاری و هنرهای کوچک پیش رفتند و به این هنرها استحکام بخشیدند که هرگز پیش از آنان ملتی باین حد نرسیده بود، ولی این همه پیشرفت در؟؟ تمدن اختصاصی، به فراغنه و منسوبین آن داشت در یک قطه از اثر دیو دوروس سیکولوس از ۵۶ ق. م را داریم که بردگان و طبقات محرومین اجتماعی را برای ما روشن می‌سازد. شاهان مصر زندانیان افتاده بودن جمع آوری می‌کردند و گاهی تنها و گاهی با خوانده‌هاشان به معادن طلا می‌فرستادند تا آنان که به راستی گناهکار بودند کیفر گناه خویش را بچشند و به این ترتیب شاهان از دسترنج آنان در آمد سرشاری به چنگ آورند، و چون این کارگران از توجه به حال بدن خود ناتوان بودند و حتی چیزی که تن آنان را بپوشد

نداشتند هر کس آن بیچارگان بخت برگشته را می‌دید از شدت بدبختی بر حال آنان رقت می‌کرد. چه هیچکس نیست که بر حال آن بیماران و ناتوانان درمانده رحم کند و از کار و زحمت ایشان اندکی بکاهد. همه ناچارند که آن اندازه کار کنند همه قواشان تحلیل برود و در خواری اسیری بمیرند. به همین جهت این بدبختان آینده بی نهایت درجه تلخ‌تر و سخت‌تر از زمان حاضر در پیش دارند و مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند.

فلسطینی و یهود:

فلسطین باستان از دامنه‌های جنوبی کوه‌های لبنان تا صحرای عرستان گسترده شده بود مرز غربی آن را دریای مدیترانه تشکیل می‌داد. سرزمین فلسطین از دان Dan در شمال تا بئر سبع Beer Sheba در جنوب بیش از ۴۰ کیلومتر طول دارد. از کشوری بدین کوچکی انتظار نمی‌رفت که در تاریخ نقشی داشته باشد ولی موقعیت آن یعنی قرار گرفتن میان دو تمدن (بین‌النهرین و مصر یا دجله و فرات با نیل) سبب گردیده راه ارتباطی این دو منطقه و بعلاوه محل ارتباط تمدن؟؟ و مدیترانه ای با خاورمیانه ای باشد.

دستخوش مقاصد اقتصادی و سیاسی قرار گیرد و به ظاهر مرکز بازرگانی شود ولی در میان دو سنگ آسیاب زیرین و زبرین بین‌النهرین و مصر در حال نرم شدن باشد در سراسر این کشور فلات‌های بایر در کنار دره‌های حاصلخیز به چشم می‌خورد در زمانهای پیشین یکی از قبایل اقوام دریانشین ازه کرت یعنی فلسطینی نیز مسکن سامی‌ها یا کنعانیان شمال غربی گردید. در قرون پانزده و چهارده قبل از میلاد قبایل آپيرو یا عبری برای نخستین بار در این منطقه دیده می‌شود و مبارزات بومیان و مهاجران یا فلسطینی‌ها و یهودیان شروع می‌شود. آنچه در اسفار پنجگانه تورات آمده فلسطین سرزمینی بوده که شیر و انگبینی در آن جریان داشته است. اما این عمل در حالتی مسیر می‌شده که مردم آن دور از دستبرد بیگانگان در آن به فعالیت و عمران پرداخته‌اند در غیر این صورت ویرانه ای بیش نبوده است.

یهودیان چنان معتقد بودند که حضرت ابراهیم از شهر اور (UR) واقع در سومر مهاجرت کرده و در حوالی ۲۲۰۰ ق م و هزار سال پیش از موسی در فلسطین مستقر شده‌اند. در جریان برخوردهایی که در قسمت شمالی فلسطین بین قبایل عبری و کنعانی‌ها و فلسطینی‌ها رخ داد دولت

اسرائیل (که در قرن یازدهم پیش از میلاد توسط شائول تاسیس شد) تدریجاً شکل گرفت. حدود یک قرن پس از این دولت یهود در بخش جنوبی فلسطین تشکیل شد.

داود پادشاه یهود این دو دولت را تحت حکومت خود متحد کرد فلسطین‌ها را بیرون راند و شهر باستانی اورشلیم را که به کنعانی‌ها تعلق داشت به عنوان پایتخت و مرکز دینی کشور اعلام کرد. پیروزی ایشان بر کنعانیان اینطور تعبیر شد همان استیلای عبرانیان بر سرزمین بوده است که خدا به آنان وعده داده بود. اما دیری نپایید که یهودیان از فلسطین خارج و به مصر روی آوردند علت آن باید قحطی باشد در منابع معاصر هیچ اشاره‌ای مستقیم به یهودیان از مصر یا تسخیر کنعان نشده همینطور درست نمی‌دانیم چه وقت یهودیان به مصر در آمده‌اند آیا آزادانه بود یا به صورت برده وارد آنجا شده‌اند. اما آنچه معلوم است نخستین مهاجران یهودی مصر عده کمی بوده‌اند و چندین هزار اسرائیلی که در زمان حضرت موسی در مصر بوده‌اند نتیجه توالد و تناسل فراوان این قوم بوده است. (مورخین مهاجرت یهودیان به مصر به اختلاف سالهای ۱۶۵۰ قبل از میلاد و خروج را ۲۲۰ و یا ۱۴۷ می‌نویسند.)

حضرت موسی این قوم را از طریق شبه جزیره به کنعان رسانید بنا به روایات تورات این راه کوچ و سیر یهودی‌ها از آن ۴۰ سال با بیابانگردی توام بوده است ولی زمانی که به کنعان یا فلسطین رسیدند اقوام ساکنین آنجا را تا حدی که می‌توانستند بکشتند. حضرت موسی بی آنکه به خونریزی متوسل شود حکومت می‌کرد و با فرامین خدا مردم را اداره می‌نمود. اما یوشع معتقد بود که هر کس بیشتر بکشد بیشتر زنده خواهد ماند با پیروی از این مقررات خشک خالی از عواطف بود که قوم یهود ارض موعود را به تصرف خود در آوردند. ۱- اصل نژاد یهود را شاخه‌ای از سامی‌ها باید دانست - تاریخ یهود است که سازنده این قوم به شمار می‌رود نامی که یهودیان تاریخ خود را ساخته باشند. زبان آنها شبیه زبان فینیقی‌ها و خطشان نیز نزدیک به آنها بوده است مهاجمان یهودی هرگز ملت متحد شده‌یی را تشکیل ندادند بلکه تا مدت درازی به صورت دوازده قبیله (اسبات دوازده گانه) به سر می‌بردند که هر؟؟ و قبیله‌یی گامی کمتر و زمانی بیشتر دارای استقلال بوده و حکومت آنها بر اساس دولت نبود بلکه بر پایه ریاست و فرمانروایی پدر در خانواده تکیه داشت مسن‌ترین فرد هر خانواده در مجلس مشاوره‌یی از شیوخ

نظیر خود شرکت می‌کرد که آخرین مرجع قانونگذاری و دادگستری قبیله به شمار می‌رفت و هر وقت اوضاع و احوال ایجاب می‌کرد سران همه قبایل با یکدیگر انجمن می‌کردند و همکاری دسته جمعی می‌پرداختند.

داوران که همه قبایل یهود گاهگاهی از آنها اطاعت می‌کردند قضات رسمی نبودند بلکه از میان روسان عشایر یا سرداران جنگی برمی‌خاستند و حتی اگر گاهی هم بودند باز چنین بود. در میان بنی اسرائیل در آن زمان پادشاهی نبود بلکه هر کس آنچه را به نظر خود حق و درست می‌دانست انجام می‌داد، بعدها ضرورت‌های شدید جنگ اوضاع و احوال را دگرگون ساخت و خطر تسلط فلسطینیان بر یهود عامل مهمی بود که اسباط را به صورت موقت در زیر پرچم واحدی آورد و برای خود پادشاهی برگزیدند.

شاوول شاه اول بنی اسرائیل است که در جنگ با فلسطینیان به قتل رسید تا داود به جای او نشست بعد از ۴۰ سال سلطنت سلیمان پسرش جانشین او شد. از زمان داود اورشلیم پایتخت شده بود سلیمان به آن جاه و رونق داد و به صورت پرکارترین بازارهای آن عهد در آمد روابط تجاری عربستان با سرزمین سلیمان را با ملکه سبا آشنا ساخت شوکت سلیمان دیری نپایید با سقوط او دولت یهود نیز از میان رفت.

تا زمان سلیمان یهودیان معبدی نداشتند سلیمان به ساختن معبدی برای یهودیان پرداخت که همان معبد اورشلی باشد در آن هنگام که سلیمان از دنیا رفت شیره قوم اسرائیل کشیده شد و طبقه‌یی از کارگران فقیر و بیکار و ناراضی بر جای مانده بود که کاری نداشتند و رنج فراوانی این طبقه را می‌آزرد سبب آن شد که دین جنگی یهود به صورت دین سوسیالیستی انبای بنی اسرائیل در آید.

پس از انتشار کتاب شریعت یا اسفار پنجگانه تورات ساختمان اورشلیم مهمترین حادثه داستان حماسی قوم یهود به شمار می‌رود. چون در ایام داود و سلیمان وحدت سیاسی برقرار شد و معبد اورشلیم به صورت مرکز عبارت یهودیان درآمد اثر سیاست و تاریخ در دین نیز منعکس شد. یهوه عنوان خدای یگانه همیهودیان را پیدا کرد. اما مرور زمان دو طبقه متماز از هم را در سرزمین فلسطینی پرورش داده بود. توانگر و غنی، فقیر و بی چیز تا پس از مرگ سلیمان مملکت او بدو مملکت دشمن با یکدیگر تقسیم شود: مملکت افرائیم در شمال به پایتختی ساده و دیگر مملکت یهودا در جنوب که پایتخت آن اورشلیم بود که به صورت آشفته سیاسی و انحطاط دینی و جنگ اقتصادی داشت. از میان توده فقیران

انبیای بنی اسرائیل به نام نبی Nabi پیدا شدند از آنجمله بود عاموس و اشحیا- که در واقع با گفتار خودم مقدمه‌ای را رقم می‌زدند که انجیل مسیح سالها سال بعد همانها را تکرار کرد. در سال ۷۱۲ قبل از میلاد افرائیم با سویه متحد شده و دولت یهود را مورد تجاوز قرار دادند و اورشلیم توسعه آشوریان غارت و مردم آن اسیر گردیدن. در همچنین بحران اشحیای بنی به صورت یکی از بزرگترین شخصیت‌های تاریخی عبری در آمد. انبیای بنی اسرائیل تصرو و اندیشه‌یی درباره آزادی نداشتند ولی دوستدار عدالت بودند و چنان می‌خواستند که محدودیت‌های قبیله‌یی اخلاقی که؟؟ بنی اسرائیل برای خود بر جای گذاشته بودند از میان برخیزد بیچارگان روی زمین را به آرزوی برداری دلخوش ساختند که نسلهای متوالی این امید و آرزوی گرانبها و فراموش نشدنی را از یکدیگر به میراث می‌بردند.

مهمترین تاثیر انبیای بنی اسرائیل در معاصران ایشان این بود که سبب نوشته شدن تورات شدند آشور که اسرای یهود را به نینوا انتقال داد اگرچه خود سقوط کرد ولی سقوط آن یهود را نجات نداد تا اینکه بزییر یوغ بابل انتقال یافتند. نبوئید نصر اورشلیم را مسخر ساخت و آن را

آتش زد و معبد سلیمان را ویران کرد تا ظهور کوروس شاه ایران که بنا و آزادی آن را فراهم ساخت در اسارت بابلیان بودند. بعد از اینکه بابل به دست کوروش شکست و یهودیان آزاد شدند بعد از برگشت یهودیان بر فلسطین به کمک کوروس برای تحکیم شدت ملی و نظم سازمان آنها کاهنان در صدد آن شدند که قوانینی وضع کنند که مانند قوانین پوشیا بر احادیق و علمای دین و اوامر الهی متکی باشد. عزرا یکی از این کاهنان در حدود ۴۴۴ قبل از میلاد اجتماعی تشکیل داد سفر شریعت موسی را برایشان فرو خواند و قوم یهود متعهد شدند که به آن دستورات و شرایع گردن نهند و آن را راهنمای قانونی و اخلاقی خویش بسازند و تا ابد فرمانبرداران آن باشند. دلبستگی آنان به این دستورات در تمام مدت متحول زمان یکی از نمودهای موثر تاریخ جهان به شمار می‌رود.^۱ و قوانین موسی یا موسوی همان است که به ده فرمان مشهور می‌باشد این همان کتابی باید باشد که یهودیان آن را در تورات و دیگران پنتاتوش یا اسفار پنجگانه می‌نامند. در خصوص اینکه آن اسفار چگونه و چه وقت و

^۱ - ویل دورانت ص ۴۸۶

کجا نوشته است گرچه تابحال در حدود پنجاه هزار جلد در این باره نوشته شده است هنوز جواب مسئله روشن نگردیده است.

البته گفتاری که در سفر پیدایش از آفریدگان بنام یهوه صحبت می‌شود و بعد مطالبی در خصوص خلقت آدم و فریب خوردن آدم و طوفان نوح و امثال اینها در آن نیز مورد تایید است.

شریعت موسی برگرد محور و احکام دهگانه آن حضرت دوران می‌کند.

نخستین وصیت بنیان اجتماع دینی جدید را می‌گذراند و آن اجتماعی

است که بر هیچ قانون مدنی تکیه ندارد و تنها بر پایه فکر وجود خدا بنا

می‌شود و ملت این خدا اسرائیل نام دارد (دفاع کنندگان از خدا) از این

اندیشه تعصب دینی با فکر برتری نژاد در ترد یهودیان توأم شد^۱.

وصیت دوم خدا برتر از هر شکل و هر صورت تصور می‌شود نتیجه آن

شد که هیچگونه مجسمی از خدا ساخته نشود. اگرچه این اندیشه قوم

یهود را از بت پرستی دور کرد ولی به نظر عده‌ای سبب گردید از شان و

منزلت هنر کاسته شود. در قلب مومنان یهود هیچ جای خالی برای علم و

هنر باقی نماند. حتی از علم نجوم هم چشم پوشیدند تا مبدا خدایان

^۱ - ویل دورانت، ص ۴۹۰

باطل زیاد شود یا اینکه می در اندیشه ستاره پرستی بیفتد و خطای دیگر جز خدای یگانه را پرستش کنند به همین جهت پس از دوره اسارت یهودیان در بابل هیچگونه کار پیکر تراشی و نقاشی و نقش برجسته سازی در میان یهودیان دیده نمی شود.

کاهنان از هنرهای گوناگونه فقط معماری و موسیقی را جایز می دانستند. وصیت سوم حاکی از آن است که نام خدا را بیهوده بر زبان نرانند و هرگاه مجبور به آوردن نام یهوه بر زبان شدند هم معنی آن کلمه ادونای Adonai را به کار ببرند.

وصیت چهارم روز تعطیل هفتگی را به نام سبات Sabbath یا شنبه مقرر می دارد. محققین معتقدند که این عادت از بابلین به اسرائیلیان رسیده باشد. غیر از تعطیل روز شنبه روزهای دیگری را در عرض سال تعطیل می داشتند و جشن می گرفتند و این ایام بیشتر از برداشت محصولات کشاورزی ناشی می شد و با اجرای مراسم قربانی توام بود.

در وصیت پنجم خانواده تقدیس می شود و قدرت پدر در خانواده نامحدود بود و پدر عنوان دولت و حکومت را داشت فرمان یهوه به زن

شوهردار چنین بود: چشمت باید به شهورت باشد و وی بر تو حکومت خواهد کرد. با این همه زن اقتدار و احترام فراوان داشت.

ازدواج و تکثیر نسل را تشویق می‌کرد. در وصیت ششم از کمال مطلوبی سخن می‌رود که دست یافتن به آن بسیار دشوار است و در همه فصول آن یا از کشتی بحث می‌شود یا از تولید مثلی که جبران کشته‌ها را کند کاهنان اگرچه به آنان در خصایص‌های خود از قول یهوه نقل کرده‌اند همان اندازه که به اندرز دادن علاقمند بودند به جنگ و خونریزی نیز حریص بودند عادت بر آن جاری بود که شهرهایی را که تسخیر می‌کردند ویران کنند و همه مردان آنجا را از دم شمشیر بگذرانند^۱ و چنان زمین را تباه سازند که جز پس از گذشتن زمان درازی شایسته کشت و زرع نباشد.

بنی اسرائیل چنان معتقد بودند که امت برگزیده خدا هستند و این خود سبب زیاد شدن غرور و نخوتی می‌شد که طبیعتاً در مردمی که از قابلیت و استعداد خود آگاهی دارند موجود است و نیز همین فکر برگزیدگی باعث آن بود که هر چه بیشتر از ازدواج با دیگر اقوام دامی فرو چینند و از لحاظ فکری و فرهنگی از دیگران دور بمانند در وصیت هفتم ازدواج

^۱ - ویل دورانت ص ۴۹۴

بعنوان اساس خانواده شناخته می شود. همانگونه که در وصیت پنجم خانواده را اساس اجتماع شناخته بود و دین را تا آنجا که ممکن است به یاری ازدواج و هواداری از آن وامی دارد بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی قابل بررسی بود. اصل تکثیر نژاد مقرراتی برای ازدواج بود. از اهم وصایا وصیت نهم بود درباره تضمین مالکیت فردی بحث می کرد (زمین از جنبه ملک یهوه به شمار می رفت) مالکیت فرد در اجتماع یهودیان اساس سازمان اقتصادی را تشکیل می داد. مالکیت، دین، خانواده سه رکن اساسی اجتماع عبر را می ساخت. یهودیان دوره های گله داری و پرورش درختان میوه و کشاورزی را به ترتیب پشت سر گذاشتند تا به تجارت بیشتر رغبت نشان دادند. مبادله جنسی به وسیله سیم و زر پیدایش صرافان را سبب گردید که برای کارهای بازرگانی و اجرای طرح های اقتصادی سرمایه لازم را در اشخاص می گذاشتند (قرض دهندگان) البته از این امر که رباخواری حاصل می شد و تعدادی از مقروضین ورشکست می شدند. پیامبران بعدی اسرائیل رعایت حال مقروضین و بخشیدگی قروض را تبلیغ می کردند.

از جمله دستورات وصایای دهم آن بود که گواهان شرافت و امانت مطلق را رعایت کنند.

دین ستون قانون بود. معبد عنوان محمه و کاهنان عنوان قضات را داشتند. آدم کشی و ربودن اشخاص و بت پرستی و زنا و زدن والدین و دشنام دادن به ایشان و دزدیدن بندگان به حکم یهوه مجازات اعدام داشت. جادوگی نیز حکم اعدام داشت. اساس مجازات قانون قصاص و معامله به مثل بوده است این شریعت موسی ۱۵ قرن بعد از قانون حمورابی تدوین شد. اهمیت سرزمین فلسطین به خاطر بناهای مذهبی چون اورشلیم (بیت المقدس) و مسجد اقصی است و محل برخورد سه دین بزرگ چون یهود، مسیح و اسلام می باشد و علاقه و برخوردهای طرفداران این سه دین بزرگ عالم در این نقشه نقش بزرگی در تاریخ ملت های خاورمیانه و جهان به جای گذاشته است. روی این اصل اشاره اجمالی به تاریخچه آنها لازم می آید!

تمدنهای باستانی هند و چین:

۱- رجوع شود به (بیت المقدس در اسلام) تالیف معین احمد محمود، ترجمه علی منتظمی

الف- هند: جنوب قاره آسیا در حالت فعلی که سه کشور پاکستان و هند و بنگلادش قرار گرفته از قدیم الایام به نام شبکه قاره هند معروف گشته است. حد شمالی آن تا مرتفعات همالیا کشیده شده و این سلسله جبال که بلندترین قله جهان را در خود جای داده (قله همالیا- اورست ۸۸۸۴ متر ارتفاع) را به این شبه قاره را از آسیای مرکزی قطع کرده و حد جنوبی آن نیز که دماغه دکن باشد به اقیانوس هند پیش رفته است. در قسمت شرقی آنجا که سرزمین به حالت جلگه در می آید سراسر زمین باتلاقهای رودخانه گنگ و برا ماپوترا و غرب آن با جزئی تفاوت مسر اندوس و پنجاب است.

با این خصوصیات طبیعی بر خلاف سایر نقاط قاره آسیا کمتر در مهاجرتها و تحولات تاریخی قرار گرفته است. از لحاظ خصوصیات جغرافیایی و آب و هوایی نیز از جنوب به شمال و از شرق به غرب تفاوتهای چشمگیری نمایان است قسمت جنوبی آن با اینکه به اقیانوس پیش رفته است و به خط استوا نزدیک است بر خلاف نقاط هم عرض خود گرم و خشک است و قسمت شمالی آن سرد و مرطوب و جنگل است. تنوع خاک و آب و هوا به سبب تنوع گیاهان و حیوانات و حتی انسانها

را از لحاظ رنگ پوست و چهره فراهم ساخته و این منطقه حکم قاره را پیدا کرده است.

اقوام اولیه که در این سرزمین سکونت اختیار کرده‌اند دراویدی‌ها و دوران اولیه تاریخ هند را نیز دوره دراپدی می‌نامند تحقیقاتی که به عمل آمده دراویدیها نخستین مردم کشاورز هند بوده و در زمینهایی که طبیعتاً آبیاری می‌شده به کشت و زرع پرداخته و به اهلی کردن چارپایان مشغول بوده و سطح فرهنگ و تمدنشان کمتر از مردمان بین‌النهرین نبوده است.

شهرهای قدیمی دراویدی‌ها از آن جمله هاریا در موهنجو دارو که امروزه از طرف باستانشناسان شناسایی شده از لحاظ تاسیسات شهری (شبکه‌های آبرسانی - خیابان کشی - تاسیسات تجاری و صنعتی و ...)

پیشرفته نشان می‌دهد.

کاخهای مکشوفه نمایانگر قدرتهایی در جامعه دراویدیهاست و نشان می‌دهد این سرزمین دولت یک پارچه‌ای نبوده و سرزمین هند به چندین شاهزاده نشین تقسیم می‌شده است و جامعه هند در حالت تکوین طبقاتی بوده است.

در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد آریاها به سرزمین هند قدم نهادند و اینها که به چندین قبایل بزرگ و کوچک تقسیم می‌شدند معروف‌ترین آنها قبیله "بهاراتا"ها بودند که رئیس قبیله‌شان را راجه و روسای ایلات را مهاراجه می‌گفتند آریاها که مردم چادرنشین و گله چرا بودند تمدنشان نسبت به دراویها پایین بوده ولی به تدریج که مجذوب فرهنگ و تمدن دراویدیها شدند آنها را نیز به جنوب هندوستان پس راندند روابط ناشی از بیگانگی بین بومیان دراویدی و آریاهای مهاجم ریشه پیدایش نظام کاست یا طبقه‌ای را سبب گردید. به تدریج مردم به چهار طبقه تقسیم شدند.

۱- برهن‌ها یا کاهنان

۲- کشاتریا یا جنگاوران

۳- وایسیا یا دهقانان، صنعتگران، تجار

۴- سودرا یا کارگان و بردگان

این نوع جامعه طبقاتی را در تاریخ ایران ساسانیان نیز ملاحظه می‌کنیم ولی در جامعه هندی فاصله این طبقات بی اندازه وسیع است وضع طبقه سود را به مراتب فجیع و رقت آورتر بود و هیچگونه حقوقی را در جامعه

نداشتند و از میان اینان بودند که به نجس معروف بودند و اکثریت آنان را بازماندگان در اویدیها تشکیل می دادند. جامعه هند باستان قطع نظر از نظام طبقاتی حالت کمون های روستایی داشت و هر کمون روستایی به شکل خانوادگی و مالکیت خصوصی و به صورت اقتصاد بسته یا طبیعی اداره می شد.

در اوایل قرن ششم پیش از میلاد در نتیجه مبارزات داخلی دولت های محلی هندوها به دو دولت ماگاها Magaha و کوسالا تقلیل یافت و بعد از یک قرن کوسالا نیز مغلوب رقیب خود شد و ماگاها تنها دولت نیرومند هند گردید.

در قرن چهارم پیش از میلاد هندوستان نیز از تهاجم یونانیان در نماند و تقریباً به مدت یک قرن تمدن هلنی نفوذ خود را در هند به جا نهاد تا اینکه یک جنبش رهایی بخش تحت فرماندهی چاندراگوپتا موریای فراهم گردید بعد از او پسرش آشوکا هند را به سلطنت رسانید و یا طرفداری از آیین بودا برهنها را که همه کار مملکت شده بودند دور راند اما این عمل نتیجه کلی نداد چه بعد از مرگ او دوباره هند روی به هرج و مرج نهاد.

آریاهای هندی دین برهمن داشتند و در آیین برهمنی، برهمن خدای جهان است و دو خدای به نام ویشنو خدای نیکی و شیوا خدای بدی پایین تر از او قرار دارند و در واقع سه خدایی محسوب می‌شوند. این برهمنی بر ودانا متکی بود که مفسرین آنها کاهنان برهمن بودند و مراسم مذهبی پیچیده این دین جامعه هندی را به خود مشغول کرده بود و نتیجه آن استحکام جامعه طبقاتی هند می‌شد در قرن ششم پیش از میلاد جریان مذهبی دیگری به نام آیین بودا به ظهور رسید.

بانی این دین شخصی بود به نام گائوتاما بودا که شاکیاهنوی نیز گفته‌اند که با انحصار دینی برهمنان مخالف بود و می‌خواست نابرابری مبتنی بر طبقات را حداقل تا آن جا که به حیات معنوی فرد مربوط می‌شد از بین ببرد اما قبل اینها باید به دین ودا هم اشاره شود، چون دین ودا قدیمی‌ترین دین متمدن و اصلی هند است از نگاهی که تاریخ ادیان مشخص و متمدن می‌گوید با این ودا روبرو می‌شویم دین ودا قدیمی‌ترین دین متمدن و اصلی هند است و ادیان دیگر برهمنی جنسی، سیتسم، مذهب بودا همه رفورم و تحول و اصلاح دین ودا است.^۱ در دین ودا آثاری از

^۱ - تاریخ و شناخت ادیان- دکتر علی شریعتی- البرز تهران

توتم پرستی وجود دارد که نشانه واسطه بودن این دین است میان ادیان پیشرفته - مثل ادیان ابراهیمی و دین‌های بدوی، مثل تونیسیم، آنیمیسیم، وفیتیشسیم گاو در هند حیوان مقدسی است و نقش گاو در مذهب هند و دین زرتشت حاکی از توتم مشترک آریایی است^۱. روی این اعتقاد گوشت آن مورد استفاده هندو نیست برای آشنایی با تمدن و فرهنگ هندی نگاه اجمالی به تاریخ مذاهب در آن سرزمین لازم می‌آید.

مذاهب هند

مذهب قبل از ظهور ودا:

قدیمی‌ترین دین هند که هنوز هم در گوشه و کنار هند آثارش به چشم می‌خورد، پرستش روحانی و توتمی از ارواح بی شماری بود که در سنگها و حیوانات و درختها، کوه‌ها و ستارگان مسکن می‌گرفتند از جمله مارها و افعی‌ها جنبه الوهیت داشتند. ناندی Nandi گاو نر ایزدی همینطور بود. چون برخی از این ارواح خوب و بعضی شرور بودن فقط استادی کامل در جادوگری می‌توانست جسم را از تصرف و تعذیب ارواح و به یاری بواسطه اجنه که فضا را اشغال کرده بودند نجات بدهد. به همین جهت

^۱ - سرستونهای گاو در آثار باستانی ایران حاکی از این امر است.

افسونهای گوناگون Atharva- veda و یا کتاب علم سحر گنجانده شد و هر کس برای اینکه خود را از ارواح خبیثه برهاند باید اورادی را از بر می خواند.

قدیمی ترین خدایان وداها نیروها و عناصر موجود در خود طبیعت بودند از قبیل آسمان، خورشید، زمین، آتش، نور، باد، آب، جنسیت. دیوس Dyaus (که به منزله زئوس یونانی و ژوپیتر رومی است) در آغاز خود آسمان بود و لفظ سانسکریتی Deva (دوا) که بعدا ایزادی معنی گرفت در اصل درخشان معنی می داد. خیالپردازی های شاعرانه که خدایان بسیار می سازد به اشیاء طبیعی صورت انسانی دارد مثلا آسمان به صورت پدر وارونا varuna و زمین به صورت مادر pirithivi در آمد و نتایج اتحاد این دو که باران انجام می یافت رستنی ها بود.

برای مدت زمانی مهمترین خدایان ودائی، آگنی بود و او شعله مقدسی بود که قربانی را به آسمان بالا می برد او زندگی آتشین و روح جهان بود. بعد از او آندرا بود که آورنده رعد و طوفان به شمار می رفت دشمن او کریشنا kriahna بود. بعد ویشنو یعنی خورشیدی که زمین را به زیر قدمهای خود می گرفت از جمله قد و ؟؟ وداها یکی این است که توسط آنها

مذهب را در حال تکوین می‌بینیم. تولد و رشد و مرگ خدایان و مسیر عقاید را از روان پرستی گرفته تا وحدت الوجود فلسفی و از خرافات Atharvayida گرفته تا توحید عالی.

اوپانیساده‌ها همه را می‌توانیم دنبال کنیم.

در دین ودائی قبای معبد و بت وجود نداشت و پیغامبری ندارد محراب هر قربانی تاز از نو برپا می‌شد و آتش مقدس پیشکش‌ها را به آسمان می‌برد. در ذبح قربانی باید از روحانیان کمک می‌گرفتند که درست انجام گیرد و الا قربانی قبول نمی‌شد به تدریج آداب و رسوم مربوط به هر موقع از زندگی را تقریباً با مواردی که عادتاً نیازمند استمداد از روحانیون بود تعیین می‌کرد. آهسته آهسته برهمنان به یک فرقه ممتاز مبدل شدند و حیا معنوی و نژاد هند را تحت چنان نظارتی قرار دادند که هر اندیشه و تغییری را تهدید به اختناق می‌کرد.

سانسکریت که به معنی (حاضر - خالص - کامل - مقدس) است زبان وداها است سانسکریت وداها و حماسه‌ها واجد علایم زبان کلاسیک و ادبی است که فقط به وسیله دانشمندان و روحانیان به کار برده می‌شده نویسندگان ودا معلوم نکرده‌اند که با چه خط آشنایی داشته‌اند آنچه

معلومات بازرگانان هند شاید در اویدها باشند از آسیای باختری یک خط سامی نظیر خط فینیقی همراه خود آوردند و از این خط به اصطلاح خط برهما است که تمام الفباهای بعدی هند اشتقاق یافت. در توسعه این خط بازرگانان نقشی داشته‌اند تا روحانیان و کمتر به فکر استفاده از آن در ادبیات می‌افتاده‌اند بعدها که هند نوشتن را فراگرفت ادبیات خود را که از راه روایت و حافظ نسل به نسل انتقال می‌داد و به صورت کتاب درآورد هندوها کمتر به نوشتن راغب بوده‌اند.

مفهوم کلمه ودا دانش است از ریشه ویدها به معنای بینایی، علم بینایی، بصیرت یک نوع بینش مذهبی است و به طور تحت اللفظی کتاب دانش معنی می‌دهد. هندوها ودا را بر دانش مقدس دوره اولیه خود ??? وداهای موجود فعلاً چهارتاست:

- | | | |
|------------|-----------------------|------------|
| Rig- Veda | یا دانش سرودهای ستایش | ۱- ریگ ودا |
| Sama- Veda | یا دانش آهنگها | ۲- ساماودا |
| Yajur Veda | یا دانش قواعد قربانی | ۳- یجوودا |

Atharaveda

۴- اتهرواودا یادانش قواعد سحر و جاو

هر یک از وداها خود به چند قسمت تقسیم می‌شوند مهمترین آنها ریگ ودا است که ستایش دنیایش است.

فلسفه اوپانیشادها:

این کلمه مرکب از (اوپا) نزدیک و (شاد) نشستن، این نزدیک نشستن به معلم، معنای شریعت سری و اصول باطنی گرفت که استاد به بهترین و عزیزترین شاگردان خود تفویض می‌کرد تعداد گفتارهای اوپانیشادها ۱۰۸ است که به وسیله پاگان و فرزاندگان مختلف بین ۸۰۰ و ۵۰۰ قبل از میلاد تصنیف شده است ؟؟؟؟؟ درسهای مردان بسیار که فلسفه و مذهب را به هم آمیخته و می‌کوشند تا در ورای کثرت ؟؟؟ اشیا بر آن حقیقت ساده اولی دست یابند و در کمال احترام بدان که توحید باشد پیوندند تم اصلی اوپانیشادها حول اسرار این جهان مجهول دور می‌زند (ما از کجا پا به عرصه وجود گذاشته ایم، کجا زندگی کرده ایم و به کجا می‌رویم) اینها همه اندیشه‌هایی است که بر کلیه آثار فکری هند سایه افکنده است.

نخستین درسی که دانایان اوپانیشادها به شاگردان برگزیده خویش
تعلیم می‌دهند:

عدم کفایت و نارسایی عقل است احتیاج به بصیرت و ادراک دیگری غیره
از این حواس و عقل داریم آدمی باید به بیرون از خود بنگرد نه به درون
خود بنگرد نه به درون خود باید جزء را؟؟ در کل نمود تا وحدت واقع
ظاهر شود. همانطوری که رودهای روان در دریا محو و ناپدید می‌شوند
و رسم و شکل خود را از دست می‌دهند یک مرد خردمند هم که از اسم و
شکل آزاد شده است بیشتر وجود الهی که بر همه برتری دارد اتصال
می‌یابد.

این نظریه روح فلسفی مرد هند و واعظ قرن‌ها خرسند نموده است فلسفه
اوپانیشادها این الهیات رهبانی این حیات جاودانی باطنی و مبرا از
شخصیت از بودا تا گاندی و از یاجناوالایا تا تاگور بر ذهن هندی تسلط
داشته است.

در مقابل اوپانیشادها بودند شکاکانی که سخت بر آن ایراد می‌گرفتند از
آن جمله بریهاسپاتی Brihaspati و کلمات قصار او ایت که مکتب
ماتریالیست‌های هندو نما یافته مکتب اویند چارواکاس Charvakas

نامیده می‌شود یک انقلاب فلسفی ایجاد کرد و به اوپانیشادهای خاتمه داد از نفوذ و اقتدار برهمنها در زندگی معنوی هندیان بسی کاست و در جامعه هند خلأی بر جای گاشت که تقریباً پیدایش یک مذهب جدید را ایجاب کرد و با آمدن جینیسم و بودیسم عصر جدیدی در تاریخ تفکرات آغاز گردید.

جینا به معنای مرد پیروز و ماهاویرا به معنای قهرمان بزرگ لقبی است که گروهی از پیروان این مکتب به بانی آن که فرد بهاری است داده‌اند و این کیش به تدریج به صورت مجموعه‌ای از غریب‌ترین شریعت‌های تاریخ ادیان در آمد چنی‌ها نه ماده پرست بودند و نه روح پرست بلکه وجه فارق بین روح و ماده در جمیع کائنات را قبول داشتند جین‌ها می‌گویند راه رستگاری در ریاضت کشی و آهیمنسا Ahimsa یعنی خودداری از آزار موجودات زنده است هر جین پارسا پنج عهد کند که عبارتند از: هیچ موجودی را نکشد، دروغ نگوید، چیزی را که به او داده نشده نگیرد، فیف باشد و به لذت‌های جسمانی پشت پا بزند کشاورز چون در حین شخم زمین را می‌شکافد و باعث مرگ کرم‌های خاکی می‌شود پس حرام است موقع راه رفتن زمین را جارو می‌کند شریعت جین سخت

از انتحار طرفداری می‌کند مخصوصاً از طریق گرسنگی تدریجی زیرا این نوع انتحار به منزله بزرگترین پیروزی روح بر اراده کور حیات است فرقه‌ای از آنها برهنگی را ترجیح می‌دهند.

می‌توان گفت در قرن معاصر نیز سخت تحت تاثیر و نفوذ فرقه جین بوده است و اصل آهیمسا را به عنوان پایه و اساس رویه سیاسی و زندگی خود قرار داد و فقط باید لنگ خود را پوشاند. البته پیدایش این افکار و اندیشه‌ها را باید در مولد شرایط اقتصادی و سیاسی و اخلاقی محیط دانست.

بودا:

بودا نیز مانند جین مبتنی بر ریاضت و بدبینی است. مذهب جین و بودا اگرچه از لحاظ سودایی آن عصر سرخوردگی نقشها بدل داشتند با این همه خود واکنشی بود مذهبی در برابر آیین‌های لذت طلب یک طبقه بی بند و بار و دنیا دار و متنعم.

بودا از شاهزادگان هند بود و در تنعم روزگار مقرون حوادثی در روزگار او پیش آمد دیدن پیر و مریض و میت تحولی در افکار او ایجاد کرد در نتیجه از سستی و زندگی خود دست کشید و راه بیابانها را پیش گرفت

بعد از هفت سال ریاضت و تفکر و کشف علت رنج انسانی به شهر مقدس بنارس برگشت و به پارک آهوان در سرنات sarnath مقام گرفت و فلسفه وجود نیروانا را به مردم تعلیم داد نیروانا به معنای خاموش شده آمده ظاهرا به معنای اطفاء همه امیال انفرادی و نیز پاداش یک چنین از خودگذشتگی که رهایی از تولد دوباره باشد به کار رفته است (در اصطلاح در مفاهیم دینوی به کار رفته است).

بودا نیز مانند دیگر معلمان معاصر خود از طریق مناظره نطق و تمثیل تعلیم می داد. تعالی خود را به شکل sletras رشته خلاصه کرد تا بیاد آوردن آنها آسان و به سرعت انجام گیرد. او مدعی بود که روشن شده است ولی ادعای وحی و الهام نداشت. ادعا داشت سازنده صلح است و به صلح و آرامش عشق می ورزد آرزو داشت تا بدی را به نیکی و نعت را به مثبت پاسخ دهد سوترای دلخواه او چهار حقیقت عالی بود که آن نظر خود را درباره حیات تشریح کرده است. زندگی رنج است و رنج ناشی از خواهش و خردمندی در فرو نشانیدن همه خواسته‌هاست. باید به عقاید هشتگانه گروید:

عقاید درست - نیت درست - سخن درست - عمل درست - زندگی درست -

کوشش درست - آگاهی درست - تمرکز درست.

تصور دینی بودا کاملاً جنبه اخلاقی داشت. توجه او همه معطوف به

اصطلاح سلوک و رفتار بود به آداب و مراسم مذهبی توجهی نداشت و از

هر گونه بحث درباره ابدیت، جاودانی، روح و خدا پرهیز می‌کند می‌گوید

افشای فلاسفه‌ای که آنقدر فروتن نیستند که اعتراف کنند یک ذره

نمی‌تواند جهان را ادراک کند. عقیده برهمنان را می‌را می‌گفتند ودا الهام

خدایان است به ریشخند می‌گرفت او صریحاً به نظام طبقاتی حمله

نمی‌کند ولی مدعی است که غنی و فقیر و بلند و پست یکی است. از

رسوم قربانی متنفر است. معتقد است سعادت و شقاوت همیشه محصل

سلوک و امیال خود ماست. هرگونه اعتقاد به روح را رد می‌کند.

و اما در محتویات نیروانای او گوید: اگر انسان این هفت جزء نیروانا را

به دست آورد در این جهان به نیروانا نایل می‌گردد: خویش‌تنداری -

تحری حقیقت - قدرت - آرامش - نشاط - تمرکز فکر - علو طبع - علت

موجبه و سرچشمه نیروانا همان خاموش کردن شهوات نفسانی است.

در مجموعه تعالیم بودا تقریباً همیشه مرادف با مفهوم خشیی و برکت و خوشنودی آرام آن روح که هیچگونه نگران نیست آمده است. ولی نیروانای کامل شامل فناست. پاداش عالیتترین مقام پارسایی این است که هرگز دوباره پا به عرصه هستی نگذارد. خلاصه می‌گوید: اگر یاد بگیریم که زندگی انفرادی خود را دوست نداشته باشیم بلکه نسبت به همه افراد انسانی و کلیه موجودات زنده مهر بورزیم آنوقت آرامش به دست توانیم آورد. اگرچه مذهب بودا فاقد طبقه روحانی بود از مرگ بودا نسلی نگذشت که راهبان همان دستگاه برهنه‌ها را برپا کردند. بودا به زنان نیز اجازه داده بود تا در زمره راهبان در آیند. پیروان بودا به او جنبه الوهیت می‌دادند ولی او می‌گفت که درباره تعالیمش شک کنند و خود آزادانه بیندیشند. درگذشت بودا به سال ۴۸۳ پیش از میلاد بوده است.

کتاب مقدس بودایی به زبان یالی و به نامهای پیتاکاس Pitakas و سوتراودماپدا Dhammapeda است از خصوصیات روح مذهبی هند این است که در هند هرگز فلسفه و دین و علم و اخلاق و حتی هنر از هم جدا نبوده و امروز نیز جدا نیستند، چرا که مذهب برهمنی، ودائی و بودایی برای مفاهیم متضاد و متنوع صاحب وسعت پذیر شدند. آنقدر که

افراد مختلف با بینش و رفتار و اخلاق گوناگون و گاه متضاد با همه اختلافاتشان می‌توانند ودائی باشند، همین وسعت پدیر است که موجب شده فلسفه و دین و هنر و اخلاق نه بعنوان چهار اصل و چهار چهره در بینش در کنار هم و با هم حفظ شوند. این است که در هند فیلسوف همان متفکر مذهبی است و متفکر بزرگ ودائی فیلسوف و فیلسوف مظهر یک شخصیت صاحب مکتب اخلاقی است و مرد بزرگ اخلاقی مذهبی است و بی شک صاحب هنر و هنرشناس بزرگی نیز هست ولی مذاهب جین و بودا و برهمن نتوانست برای محافظت مرزها و پایتخت‌ها و ثروت و آزادی آنها در مقابل سکه‌ها - هونها - افغانها - ترکها موثر باشند. از سازمان دادن قوای ملی عاجز ماندند وضع سیاسی و اجتماعی آنها طوری بود ه از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ بعد از میلاد هر بیگانه‌ای را دعوت به تسخیر آن سرزمین می‌کرد. اولین حملات از جانب مسلمانان انجام گرفت و سبب تسخیر دره سند گردید و در سال ۹۹۷ میلادی سلمان محمود غزنوی سرکرده ترکها به نام جهاد به آن سرزمین حمله کرد و به غارت هندوستان پرداخت و سرداران بدی نیز راه محمود را رفتند. حملات سرداران ترک مسلمان اگرچه برای هندوها فجایع بار بود اما نتیجه‌ای که

داد فرهنگ اسلامی را با فرهنگ هندو در آمیخت و آثار گرانبهای مادی امروزی هند را چون مساجد و منامبر و اندیشه‌های معنوی را که از زبان اقبال باید شنید در این شبه قاره به ارمغان داشت. حملات بعد از طرفل مغولها و بعد تیموریان شد. هند در اثر ناتوان شده و تسلیم حمله کنندگان گشت. حکومت اکبر از نوازندگان تیمور در هند صفحه تازه‌ای از تاریخ این کشور را گشود. تمدن و فرهنگ هندی تحت تاثیر تمدن ایرانی قرار گرفته اکبر دستیاران ادبی خود را واداشت تا شاهکارهای ادبیات و تاریخ و علوم هندو را به زبان فارسی که زبان رسمی دربار او بود ترجمه کنند.

شعر و موسیقی و نقاشی هندو ایرانی تحت تاثیر هم قرار گرفتند روی به ترقی نهادند در معماری هند سبک اسلامی و ایرانی رونق گرفت بنای تاج محل هنوز شاهد زنده آن است در بار اکبر مجمع فضلا، فلاسفه و ادبای شرق و غرب شد در عهدی که در آن در اروپا کاتولیکها و پروتستانها به جان هم افتاده بودند صاحبان کلیه مذاهب با آزادی تام در هند در کنار هم بودند ولی عاقبت به اسلام پشت پا زد و آیین را در هندوستان روی کار آورد که اسلام را تحت الشعاع قرار داد مراسم

اسلامی را تحریم و به تبعید مسلمانان انجامید و دین الهی او معجونی بود از ادیان مختلف هند و زرتشتی ولی با این سیاست نتوانست وحدت سیاسی به وجود آورد و آتشی که افروخته بود خود گرفتار شعله‌های آن گردید تا زمینه استعمار هند را در قرون جدید برای استعمارگران فراهم ساخت.

علوم و فنون هندی:

چون مذهب هسته مرکزی حیات هندو بوده پیش از همه آن دسته از علوم توسعه یافته که به مذهب یاری می‌داد. علم نجوم از پرستش اجرام سماوی ترصد حرکات آنان ریشه گرفت که هدف آن نیز تعیین و تثبیت روزهای جشن و قربانی بود. دستور زبان و فقه‌اللغه از ابرام هندوان در این باب نشست کرد که می‌گفتند هر نوع عبارت و دعاگو اینکه در لفاف الفاظ زبان مرده پیچیده می‌شد باید من باب حیث نض و اصوات صحیح برگزار شود. دانشمندان هند نیز مانند دانشمندان قرون وسطای غرب بد یا خوب همان روحانیان بودند هندوها توانسته بودند چندین خط هجائی اختراع کنند که دارای خطوط منحنی و به شکل‌های هندی باشد و این

خطوط در معابد بودایی که خود حاکی از سبک معماری هندی است دیده می‌شود.

هندوها برای محاسبات دقیق خود دست به اختراع دستگاه ریاضی زدند که به استثنای هندسه در همه مواد بر دستگاه ریاضی یونانیان برتری داشت. رمز اعداد از صفر تا ده و دستگاه اعشاری از اختراع که اعراب از هندوها گرفتند و به مغرب زمین بردند.

دستگاه اعشاری مدتها پیش از آنکه در نوشته‌های اعراب و سوریان پدیدار گردد به وسیله دانشمندان هند: آریابتها و برهماگوپتا شناخته شد، چینیان از طریق هیأت‌های مذهبی بود آن را اقتباس کردند و ظاهرا توسط محمدبن موسی خوارزمی بزرگترین ریاضی دان عصر (۲۵۰ هـ) در بغداد رواج یافت. آثار طبی سوشروتا *sushruta* در قرن ۱۵ بعد از میلاد شاراکا در قرن دوم میلادی پیشرفت علم طب و جراحی و داروسازی را پیش از اینکه در اروپا بحثی در مورد آنها باشد مورد بحث و گفتگو قرار داده است و از ۱۱۲۰ بیماری و معالجه آن سخن می‌گوید در ساختن و ترکیب پادزهر مهارت خاص داشتند.

تقویم آنها که سال را به دوازده ماه تقسیم می‌کند و اضافه ایام را در هر پنج سال یک ماه حساب کرده به ماههای سال اضافه می‌نمودند تا کیبسه را مراعات نمایند دلالت کامل بر این امر دارد که ایشان به سیر فلک و علوم تجربی و گسترش زمین و ماه آگاهی داشته اند.

ب- تمدن چین

تمدن چینی با خصوصیات خود نسبت به سایر تمدنها وجه تمایزی را داراست اگرچه راجه به قدمت آنها اطلاعات کافی در دست نیست ولی ادبیات و افسانه‌های چینی که رموزی از تمدن چینی را برای ما روشن می‌سازد حاکی از پایه‌های کهنی است.

نظریه‌های دانشمندان معاصر چون دیدرو، ولتر و سایر متفکرین درباره چین قابل ملاحظه است.

تمدن چینی از دره تا برخاسته و از آنجا به داونه‌های کوئن لون به طرف شمال مصب در جنوب به طرف یانگ تسه کیانگ انتشار یافته است. تا به اصطلاح باتلاقها و راندن حیوانات وحشی و معدوم کردن حشرات و ایجاد سدها و ترتیب طرق آبیاری و بالاخره ایجاد اجتماعی به صور دهات و شهرها را سبب شده‌اند عده‌ای عقیده دارند که تمدن

چینی از تمدن سومری الهام گرفته است و ارتباطی بین این دو منطقه وجود داشته است ولی بعد مسافت و وجود موانع طبیعی با تردید باید مواجه شد و باید قبول کرد تمدن چینی به دست خود چینی‌ها ایجاد شده است ولی بدون شک سرچشمه تمدن و قوم از تمدن نوسنگی است که تمام دنا را فرا گرفته بود. بیشتر نظریات متوجه این است که تمدن چینی از سمت جنوب تحت تاثیر تمدنهای اقوام سیاسی بیرمانی و از سمت شمال نیز تمدن مغولی بوده است افسانه‌های کهن چینی نشان می‌دهد بالاخره در ۲۸۵۳ قبل از میلاد امپراتور فوهسی FHHHSI به سلطنت رسید و به قوم خود از دواج - موسیقی - خط - نقاشی، اهلی کردن حیوانات و تربیت کرم ابریشم را آموخت. بعد از او به تدریج که پنج امپراتوری تشکیل گردید هر یک به تدریج طرز کشت، طرز تجارت، پزشکی، اختراع قطب نما، ساختن خانه‌های آجری، بنای رصدخانه و سدبندی و برقراری اوزان و مقادیر را به ملت خود یاد دادند و یک نوع ملوک الملوائفنی در چین پایه گذاری کردند.

ولی حملات طوایف مختلف به چین سبب اتحاد حکومت‌های محلی چین گردید و در نتیجه دو قدرت بزرگ چین پیدا شدند: سلسله چانگ و

سلسله چئو در اولین سلسله چین مذهب نقش اساسی داشت تا سیاسی ولی وحدت اصلی این سرزمین از زمان امپراطوری سلسله تسن مخصوصاً حاکم مقتدر آن چه هوانگتی که در عهد او دیوار بزرگ چین در مقابل حملات برقرار گردید.

چین از لحاظ سازمان اجتماعی با سایر کشورهای آنروزی عالم فرق داشت. طبقه خاص این کشور کارمندان بودند بنام ماندارن **Mandarin** که روحانی بودن آنها مثل هندوها شرط نبود این طبقه در واقع طبقه روشنفکر چینی محسوب می شدند و مقام آنها ارثی نبود و رسیدن به این مقامات لازمه دیدن دوره های تعلیم و تربیت خاصی بود. بعد طبقات کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان بود شاه در بالای این طبقات با مقام الوهیت قرار گرفته بود.

با تقسیم زمینها بین وارث متوفیها با مالکیتهای بزرگ در چین پیدا نشد.

جامعه آنها مخلوطی از مذهب- اخلاق- فلسفه بود.

کنفوسیوس بیش از همه در تحولات سیاسی و اجتماعی و مذهبی چین دست داشت و ملت چین در تحت تاثیر واقعی عقاید وی قرار گرفته است.

کنفوسیوس هر چه مذهب کنفوسیونیست با بودا معاصر و در قرن ششم پیش از میلاد می زیست.

کنفوسیوس از خانواده نجبا به شمار می رفت ولی فقیر بود و پس از آنکه مشاغل مختلفی به دست آورد در او یک آکادمی ای به منظور تحقیق و تجسمی و پرهیزکاری و تقوی تاسیس نمود. وی مذهبی که برای چینی ها فراهم آورد در حقیقت یک فلسفه اخلاقی نه مانند برهمنائی و زرتشتی و بودایی و سائیرینی که به معنای واقعی دین باشد. تعلیمات کنفوسیوس مبتنی بر ایجاد زندگی شرافتمندانه ای بود که آنرا در یک موجود ایده آلی مجسم می ساخت. وی بیشتر هم خود را مصروف مسائل سیاسی نمود و افکارش متوجه شرایط اجتماعی و سیاسی چین گردید و اگر خواست که فردی ممتاز را در تصور خود پیروانند بیشتر به منظور ایجاد کشوری برجسته بود که مبرا از همه گونه معایب باشد.

گرچه نفوذ کنفوسیوس بعلت دستورها و نوشته های وی بوده است ولی شخصیت بارزوی و زندگی بی آرایشش نمونه ای برای میلیون ها چینی بوده است که از آن پیروی کرده اند.

عمده ترین ویژگی تعالیم دینی و فلسفی او عبارت بودند:

۱- وفاداری به سنت و شیوه‌های گذشته و بی‌اعتمادی به هرگونه نوع آوری.

۲- سلطنت پدرسالاری و اصول اخلاقی خانواده پدرسالاری را کمال مطلوب می‌پنداشتند.

۳- به آموزش اخلاقی اهمیتی عظیم قائل بود.

۴- تواضع و گردن نهادن به قضا را موعظه می‌کرد. (جبری بود)

۵- نافرمانی عوام ریشه تمام بی‌نظمی‌هاست.

بعد از کنفوسیوس تائوایسم و بعد آئین بودا در چین فرهنگ‌ها آفریدند.

کتابخانه‌های عمده‌ای که در اواخر دوره قاجاریه در تهران و سایر شهرستان‌ها بوده‌اند

۱- کتابخانه سلطنتی در تهران

اولین کسی که به تاسیس این کتابخانه اقدام نمود و به جمع آوری کتب

امر داد " فتحعلیشاه قاجار " بود بعد از او " ناصرالدین شاه قاجار " به

توسعه آن افزود در اواخر دوره قاجار بنا به گزارش مرحوم " عبدالعزیز

جواهر کلام " با رسالات و جزوات متفرقه ۱۲/۲۳۹ کتاب داشته که ۷۴۳۲

جلد آن چاپی و بقیه خطی بوده است. در اواخر سلطنت "مظفرالدین شاه" بخش اعظم آن کتابخانه به سرقت رفته است. شاید این کتابخانه امروزه به کتابخانه ملی انتقال یافته باشد.

۲- کتابخانه مدرسه سپهسالار

از معروفترین مدارس قدیمی ایران است که حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار از رجال دوره ناصری آن کتابخانه را بنیان نهاد. در آغاز امر چهارهزار جلد کتاب داشته است که مرحوم مشیرالدوله برای تکمیل آن کتابخانه، قسمت مهم کتابخانه اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا مراغه‌ای را خریداری کرد که اغلب آنها از کتابهای نادر و کمیاب دنیا می‌باشد.

۳- کتابخانه مدرس مروی

بانی این مدرسه مرحوم محمدحسن خان معروف به خان مریو بود و این کتابخانه از ضمایم این مدرسه می‌باشد که دوهزار جلد از کتابهای دینی و فلسفی داشته است.

۴- کتابخانه مدرسه صدر

بانی آن میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلیشاه بوده و کتابخانه‌ای نیز در
ضمیمه آن تاسیس نموده است.

۵- کتابخانه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه

۶- کتابخانه فرهاد میرزا معتمدالدوله

"در خارج از تهران"

۱- کتابخانه محمدحسن بن محمدعلی تفرشی، معروف به منجم باشی در

اصفهان

۲- کتابخانه محمدصالح بن محمد فرشته معروف به برغانی در قزوین

۳- کتابخانه مرحوم امام جمعه در کرمانشاهان

۴- کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین بالاخیابانی در مشهد در زمانهای

بعد کتابهای این کتابخانه به کتابخانه حسین آقای حسین آقای ملک

فروخته شد.

۵- کتابخانه سیدمحمد باقر مدرسی در مشهد

۶- کتابخانه طبس

۷- کتابخانه سیدمحمدباقر خوانساری در اصفهان

۸- کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان

از کتابخانه‌های معروف بوده اند.

"کتابخانه‌های عصر حاضر"

۱- از مهمترین کتابخانه‌های ایران در عصر حاضر و محتوی بر هزارها

نسخه از کتب عربی و فارسی که غالب آنها خطی نفیس و مصور و مذهب

و نایاب و چاپ‌های قدیمه اروپا و هند و مصر و ایران می‌باشد که توسط

آن فرد ادب پرور و دانش دوست جمع آوری شده است که اکثر کتابهای

آن قبلا جزو کتابخانه قوام‌الدوله و حسام‌السلطنه و شیخ عبدالحسین

بالاخیابانی بوده‌اند که خریداری گشته که از نوادر کتب طب، حکمت،

عرفان، نجوم و می‌باشند. کتابخانه ملک در تهران امروزه جزو

موقوفات آستان قدس قرار دارد.

۲- کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق)، مجلس شورای اسلامی فعلی

این کتابخانه بعد از انقلاب مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی در

دوره دوم و سوم برای دسترسی نمایندگان به کتاب در ضمیمه ساخت

مجلس تاسیس نمودند و بعدها از رجال و شخصیت‌های علمی با اشتیاق

و علاقه کتابهایی را بدانجا اهدا نمودند. به مرور زمان دارای کتابهای

نفیس و باارزش و نادر گردید.

۳- کتابخانه معارف در اواخر قاجاریه به کوشش بعضی رجال وقت بنیان نهاده شد و بعدها کتابهای مدرسه دارالفنون و بانک استقراضی روس و کتابخانه ملی به آن انتقال یافت.

۴- کتابخانه مرحوم آقای سیداحمد مازندرانی

۵- کتابخانه مرحوم آقای شیخ فضل الله نوری

۶- کتابخانه مرحوم نصیرالدوله بدر

۷- کتابخانه مرحوم میرزا عبدالغفار نجم الملک

۸- کتابخانه‌های میرزا محمدعلیخان تربیت در تبریز

۹- کتابخانه آقای میرزا ابو عبدالله در زنجان

۱۰- کتابخانه آقای سردار حمید علیخان کابلی در کرمانشاهان

اغلب این کتابخانه‌ها تغییر نام یافته‌اند و ای بسا به کتابخانه‌های محلی

انتقال یافته‌اند. برای اطلاعات بیشتر در این مورد رجوع کنید به کتاب

کتابخانه‌های ایران، تالیف عبدالعزیز جواهر کلام، تهران ۱۳۱۱.

انجمنهای علمی و ادبی و کتابخانه‌های معروف دنیا

پیدایش مسائل علمی و ادبی و حمایت از صاحبان علم و ادب و توجه به

کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها بخشی دیگر از مسائل مورد بحث تاریخ تمدن

می‌باشد. آشنایی با خط و به کارگیری آن در نگارش جهت پیاده کردن انگیزه‌های ضمیری و مکنونات خاطری به دیگران و آیندگان، سرآغاز تاریخ هر جامعه و مقیاس رشد تمدن آن می‌باشد. آشنایی به تاریخ و در کنار آن آشنایی به تمدن اقوام بستگی به آثار مکتوب به دست آمده از آنان دارد، اقوامی که خط و کتابت نداشته‌اند نتوانسته‌اند آثار مکتوبی از خود به جای گذارند، تاریخ و سرگذشت و درجه تمدن آنان بر ما تاریک است و این دوره ماقبل تاریخ می‌نامیم.

دوران‌های پیدایش خط و نگارش و تحول و تکامل آن مراحل از تمدن را نشان می‌دهد چگونه که انسان تسلط بر طبیعت را پشت سر نهاده و با تولید ابزار و وسایل پیشرفت‌هایی حاصل نموده است در مرود خط و نگارش و دست یابی به کاغذ و مرکب و قلم و چاپ نیز دوره‌هایی را پشت سر نهاده و امروزه با در اختیار داشتن مدرن‌ترین دستگاه‌های چاپی و صنایع مربوط به آن در عالی‌ترین مرحله قرار گرفته است.

با پیشرفت تمدن، تبادل افکار و اندیشه‌ها نیز با توجه به کتاب و جمع آوری آن و تشکیل کتابخانه‌ها توسعه یافت نیازهای اجتماعی و مذهبی و سیاسی و ... تلاش انسان را در تدوین کتب شدت بخشید. اگر از الواح و

سنگ نبشته‌ها بگذریم که قسمت عمده اطلاعات تاریخی ما در مورد گذشتگان بسته به آنهاست، کتب مذهبی چون تورات و انجیل و قرآن از کتب آسمانیند که تدوین یافته‌اند. نه تنها در محافل دینی و سیاسی، بلکه در دسترس عموم قرار گرفته‌اند. اگر انجمن‌های سیاسی و فلسفی یونان و روم کوتاه کنیم انجمن‌های دینی و مذهبی در هر دوره وجود داشته است، بحث و جدل و دفاع از مذاهب و مکاتب تشکیل انجمن‌ها در این موارد از ادوار شکوفایی تمدن بشری می‌باشد.

بعد از محافل و انجمن‌های دینی و مذهبی که بیشتر جنبه اختصاصی داشته است انجمن‌های علمی و ادبی تا حدی جنبه نسبتاً عمومی داشته و در دوره‌های تاریخی نمونه‌هایی فراوان داریم مثلاً توجه به شعرا و گویندگان را چه در تاریخ جاهلیت عربستان و چه در دوره اسلامی باخبریم.^۱

؟؟ توجه امرا و سلاطین ایران را به شعرا و ادبا و فضلا و حکماء در تاریخ می‌خوانیم. در دوره ایران قبل از اسلام اگرچه دانش، چه دینی و

^۱ - جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، امیر کبیر تهران، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۳۰۸ * رک، ابی علی الحسن بن رشیق قیروانی الازدی، العمده فی محاسن الشعر و نقده، با حواشی محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، چاپ دوم، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۴۸ به بعد

چه غیر دینی انحصاری و اختصاصی بوده است در دوران بعد از اسلام که طلب علم و دانش برای هر مسلمانی جزء فریضه واقع شد، دوران جدید از تمدن را به وجود آورد. در هر دوره کتابنویسی و تشکیل کتابخانه‌ها مورد توجه خاصی بوده است آشنایی مسلمانان با فلسفه و علوم غرب و شرق در دربارهای خلفا و سلاطین و امرا انجمنهای علمی و ادبی را روز افزون ساخت دربار هارون الرشید و مامون در بغداد و دربار سامانیان در بخارا و آلبویه در ری و سلطان محمود در غزته و خلفای فاطمی در قاهره و ... و وجود هزاران کتاب در این نقاط یاد شده، مشهود تاریخند و تازگی ندارند. باید افزود که با وجود کمبود وسایل تحریر چگونه گذشتگان ما در نگارش این کتاب‌ها تلاش می‌نمودند و کتابهای باقیمانده از آن دوره‌ها، بزرگترین و گرانبهاترین میراث فرهنگی و تمدنی ما می‌باشند که در اینجا به تعدادی از آنان اشاره می‌کنیم.

الف: کتابخانه‌های دنیای کهن

۱- قدیمی ترین مجموعه‌ای که همی توان آن را مجموعه‌ای از کتب نامید مجموعه الواحی است که در قرن ۲۱ قبل از میلاد در بابل وجود داشته است.

۲- معابد مصر قدیم دارای کتابخانه‌ای بوده‌اند که در روی پوست

درختی به نام پاپیروس به خط هیروگلیف

۳- در نینوا، پایتخت آشور کتابخانه شوربانی پال تا زمان تاسیس

کتابخانه اسکندریه مهمترین کتابخانه عالم بوده است.

۴- نخستین کتابخانه عمومی در یونان در سال ۳۳۰ قبل از میلادی

تاسیس شد

۵- نخستین کتابخانه‌های ادوار باستانی کتابخانه اسکندریه بود که

به وسیله بطلمیوس اول تاسیس شد.

۶- زمانی که آسیای صغیر و سوریه به دست رومیان فتح شد،

رومیان با انتقال آثار نوشته شده این مناطق به شهر رم کتابخانه

شهر روم را در قرن دوم قبل از میلاد تشکیل دادند.

۷- بعد از ظهور مسیح و پیدایش مسیحیت کتابخانه‌های مسیحی در

دیرها دایر شد. تا اینکه با توجه پاها و امپراتوران طرفدار

مسیحیت کتابخانه در کلیسا رو به افزایش نهاد و کتابخانه واتیکان

سرآمد کتابخانه‌های اروپا گشت. تاسیس آن را به قرن ۱۵ میلادی

نسبت می‌دهند. در کنار کتابخانه‌های مذهبی کتابخانه‌های عمومی

و شخصی در اروپا رو به گسترش نهاد که معروفترین آنها در اینجا معرفی می‌کنیم.

۱- در فرانسه: کتابخانه سوربون که قدمت آن را از ۱۲۵۷ میلاد نوشته اند. کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه مجلس نمایندگان، کتابخانه مازارین و کتابخانه سنت ژنویر از آن جمله‌اند.

۲- "کتابخانه موزه بریتانیا" لندن (British Millellm) بدلئین

(آکسفورد) (Axford- Bodleinn)

۳- در آلمان- کتابخانه لایپزیک، کتابخانه در سون، کتابخانه مونیخ

۴- در ایتالیا- کتابخانه واتیکان، آمبروزین (AMBROSIENNE) و

کتابخانه میلان، فلورانس و لرانترین.

۵- در اتریش- کتابخانه وین.

۶- در روسیه- کتابخانه عمومی لنینگراد. (پترزبور)

۷- در هلند- کتابخانه لیدن.

۸- در آمریکا- کتابخانه نیویورک. واشنگتن و کتابخانه کنگره.

بوستون

ب- کتابخانه‌ها و جهان اسلام

۱- در دوره‌های رشد فرهنگ و تمدن اسلام معمولاً در هر مسجد جامع

بزرگ کتابخانه‌ای نیز تشکیل می‌شد و رسم دانشمندان بر این بود

که کتابهای خود را بر مساجد جامع وقف می‌کردند. قدیمی‌ترین

کتابخانه را در اسلام به خالد بن یزید بن معاویه نسبت می‌دهند،

بعد از آن:

۲- بیت‌الحکمه‌ای که مامون خلیفه عباسی در بغداد تاسیس نمود تا

سال ۶۵۶ دایر بوده است.

۳- کتابخانه خلیفه فاطمی العزیز در مصر که تاسیس آن به سال ۳۸۶

هجری می‌رسید.

۴- کتابخانه حکم بن ناصر فرمانروای موی اندلن در سال ۳۵۰ ه.ق

کتابخانه غرناطه

۵- کتابخانه‌های وابسته به مدارس نظامیه در بغداد و نیشابور

کتابخانه‌های مهم ایران

در ایران قبل از اسلام بخصوص در عهد ساسانیان سراغ آن را داریم که

توجه به کتاب و کتابخانه بیشتر بوده است، بخصوص کتب مذهبی

زرتشتی که در پایتخت‌های ساسانیان نگهداری می‌شدند و همینطور در

جندی شاپور که مرکز علم و دانش زمان خود محسوب می‌شد، اغلب این کتابخانه‌ها در حمله اعراب به ایران از میان رفت، در بعد از اسلام با روی کار آمدن سلسله‌های ایران کتابخانه‌هایی نیز رونق یافت، از آن جمله:

۱- کتابخانه مرو- گویا یزدگرد سوم ضمن فرار کتابهای خود را نیز با خود می‌برد، در مرو که کشته شد کتابهای او را در آنجا جای نهاده بودند.

۲- کتابخانه بخارا- در عهد ساسانیان از شهرت زیادی برخوردار بود.

۳- کتابخانه ری- کتابخانه ابن عمید و صاحبین عباد. از وزرا و دانشمندان ایرانی

۴- کتابخانه نیشابور- وابسته به مدرسه ???

۵- کتابخانه قلعه الموت وابسته به اسماعیلیان

۶- کتابخانه اردبیل- مربوط به شیخ صفی الدین

۷- کتابخانه اصفهان- از قرن چهارم هجری دارای کتابخانه‌های شخصی بوده است.

۸- کتابخانه شیراز- در عهد دیلمیان بخصوص در زمان (عضدالدوله دیلمی) رونق داشت.

۹- کتابخانه مراغم به همت خواجه نصیرالدین به امر هولاکوخان مغول در طول تاریخ بر اثر رقابتهای شیعی و سنی از آن جمله در لشکرکشی‌های محمود غزنوی به ری اکثر کتابخانه‌ها به آتش کشیده شدند و یا اینکه در اثر حملات مغول و تیمور به ایران بسیاری از کتابها و کتابخانه‌ها از میان رفت و آنهایی که از آسیب باقی مانده بودند در اثر حملات روسها و عثمانیها به ایران در اواخر صفوی در اوایل قاجاریه به یغما و تاراج رفته اند. کتابهای کتابخانه لنینگراد اغلب کتب کتابخانه اردبیل است که پاسکویچ سردار روس بعد از شکست ایران از روس در اوایل عهد قاجار از این شهر به غارت رفته است و یا سرداران عثمانی که به آذربایجان دست یافتند کتابهای موجود را غارت کرده اند. کتابها و نسخ غارت رفته از کتابخانه‌های ما اکنون زینت بخش کتابخانه‌های معروف روس و انگلیس و فرانسه و ترکیه بوده، به آنها- ارزش و اعتبار بخشیده اند.

در حال حاضر معروفترین کتابخانه‌های ایران عبارتند از:

۱- تهران - کتابخانه مرکزی وابسته به دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس

شورای اسلامی کتابخانه ملی، کتابخانه آیت ا... طباطبایی.

۲- در قم - کتابخانه آیت ا... مرعشی نجفی.

۳- مشهد مقدس - کتابخانه آستان قدس رضوی

۴- در یزد - کتابخانه وزیر

کتابخانه‌های عمده‌ای که در اواخر دوره قاجاریه در تهران و سایر

شهرستانها بوده اند

۱- کتابخانه سلطنتی در تهران:

اولین کسی که به تاسیس این کتابخانه اقدام نمود و به جمع آوری

کتب امر داد فتحعلیشاه قاجار بود. بعد از او ناصرالدین شاه قاجار به

توسعه آن افزود. در اواخر دوره قاجار بنا به گزارش مرحوم

عبدالعزیز جواهر کلام با رسالات و جزوات متفرقه ۱۲/۲۳۹ کتاب

داشته که ۷۴۳۲ جلد آن چاپی و بقیه خطی بوده است. در اواخر

سلطنت مظفرالدین شاه بخش اعظم آن کتابخانه به سرقت رفته است.

شاید این کتابخانه امروزه به کتابخانه ملی انتقال یافته باشد.

۲- کتابخانه مدرسه سپهسالار:

از معروفترین مدارس قدیمی ایران است که حاجی میرزا حسن خان مشیرالدوله سپهسالار از رجال دوره نصاری آن کتابخانه را بنیان نهاد در آغاز امر چهار هزار جلد کتاب داشته است که مرحوم مشیرالدوله برای تکمیل آن کتابخانه، قسمت مهم کتابخانه اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا مراغه‌ای را خریداری کرد که اغلب آنها از کتابهای نادر و کمیاب دنیا می‌باشد.

۳- کتابخانه مدرسه مروی:

بانی این مدرسه مرحوم محمد حسن خان معروف به خان مروی بود و این کتابخانه از ضمایم این مدرسه باشد که دوهزار جلد از کتابهای دینی و فلسفی داشته است.

۴- کتابخانه مدرسه صدر:

بانی آن میرزا شفیع صدراعظم فتحعلیشاه بوده و کتابخانه‌ای نیز در ضمیمه آن تاسیس نمود است.

۵- کتابخانه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه

۶- کتابخانه فرهاد میرزا معتمدالدوله

در خارج از تهران

۱- کتابخانه محمدحسن بن محمدعلی تفرشی، معروف به منجم باشی

در اصفهان

۲- کتابخانه محمدصالح بن فرشته معروف به برغانی در قزوین

۳- کتابخانه مرحوم امام جمعه در کرمانشاهام

۴- کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین بالاخیابانی در مشهد در

زمانهای بعد کتابهای این کتابخانه به کتابخانه حسین آقای ملک

فروخته شد.

۵- کتابخانه سیدمحمدباقر مدرسی در مشهد

۶- کتابخانه طبق

۷- کتابخانه سیدمحمدباقر خوانساری در اصفهان

۸- کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان

از کتابخانه‌های معروف بوده اند.

کتابخانه‌های معروف عصر حاضر

۱- از مهمترین کتابخانه‌های ایران در عصر حاضر و محتوی بر هزارها

نسخه از کتب عربی و فارسی که غالب آنها خطی نفیس و مصور و مذهب

و نایاب و چاپهای قدیمی اروپا و هند و مصر و ایران می‌باشد که توسط

آن فرد ادب پرور و دانش دوست جمع آوری شده است که اکثر کتابهای آن قبلاً جزو کتابخانه قوم الدوله و حسام السلطنه و شیخ عبدالحسین بالا خیابان بوده‌اند که خریداری گشته از نوادر کتب طب، حکمت، عرفان، نجوم و ... می‌باشند. کتابخانه ملک در تهران امروزه جزو موقوفات آستان قدس قرار دارد.

۲- کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق)، مجلس شورای اسلامی فعلی

این کتابخانه بعد از انقلاب مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی در دوره دوم از سوم برای دسترسی نمایندگان به کتاب در ضمیمه ساخت مجلس تاسیس نمودند و بعدها از رجال و شخصیت‌های علمی با اشتیاق و علاقه کتابهایی را بدانجا اهدا نمودند. به مرور زمان دارای کتابهای نفیس و باارزش و نادر گردید.

۳- کتابخانه معارف در اواخر قاجاریه به کوشش بعضی رجال وقت بنیان نهاده شد و بعدها کتابهای مدرسه دارالفنون و بانک استقراضی روس و کتابخانه ملی به آن انتقال یافت.

۴- کتابخانه مرحوم آقای سیداحمد مازندرانی

۵- کتابخانه مرحوم آقای شیخ فضل الله نوری

۶- کتابخانه مرحوم نصیرالدوله بدر

۷- کتابخانه مرحوم میرزا عبدالغفار نجم الملک

۸- کتابخانه‌های میرزا محمدعلیخان تربیت در تبریز

۹- کتابخانه آقای میرزا ابو عبدالله در زنجان

۱۰- کتابخانه آقای سردار حمید علیخانه کابلی در کرمانشاهان

اغلب این کتابخانه‌ها تغییر نام یافته‌اند و ای بسا به کتابخانه‌های محلی

انتقال یافته‌اند. برای اطلاعات بیشتر در این مورد رجوع کنید به کتاب

کتابخانه‌های ایران، تالیف عبدالعزیز جواهر کلام، تهران ۱۳۱۱

آکادمی فرانسه

در اروپا نیز بعد از دوره تقریباً هزار ساله از اواسط قرن هفدهم انجمنها

و مجامع ادبی تجدید حیات یافت و فرانسویان در این راه پیش قدم شدند

و جمعی از زنان فاضل و دانشمند آن سرزمین با تاسیس انجمنهای ادبی

و گردآوردن شعرا و نویسندگان و روشنفکران آن عصر دور یکدیگر راه

را به مردم ممالک اروپا نشان دادند. اولین انجمن ادبی در فرانسه توسط

ماکیر دورامبویه (۱۵۸۸-۱۶۶۵) تاسیس گردید، این زن فاضله یکی از

سفرا فرانسه در دربار بود. انجمن او در خانه خود او تشکیل شد و

افاضل و شعرا و اهل ادب در آن راه یافتند و محفل علمی و ادبی گردید و پایه شد برای انجمن‌هایی که در دوره‌های بعدی تشکیل گردید. چون انجمن‌های ادبی: مادام ناوا سکودری، مادام دوسابله، مادام اسکارون، که بعدها نام مادام دومنتون به او داده شد. جمعی از بزرگان و فضلا فرانسه نیز به تقلید زنان دانشمند نامبرده در تاسیس مجامع ادبی سعی و کوشش فراوان کردند که از آن جمله: دوپوی، مناژ و کنرار (۱۶۰۳-۱۶۷۵) بودند. این عده در توسعه ادبیات فرانسه سعی بلیغ کردند. کاردینال دوک دوایشلیو صدراعظم وقت برای استفاده از شهرت آنان انجمن کنرار را به رسمیت شناخت و ریاست آن را خود بر عهده گرفت و نام آن را نخست انجمن فصاحت و بلاغت گذارد ولی اندکی بعد عنوان آکادمی فرانسه را یافت که تا انقلاب کبیر فرانسه ریاست آن با پادشاه فرانسه بود اما بعد از انقلاب ریاست آن همیشه به عهده یکی از فضلاء فرانسه واگذار می‌شد.

بدنبال آن آکادمی علوم ۱۶۶۶ و آکادمی نقاشی و حجاری ۱۶۴۸ و آکادمی معماری تاسیس شدند.

نظیر انجمنهای ادبی و آکادمی فرانسه در ممالک دیگر نیز انجمنهای بزرگ دیگری به وجود آمد چون: انجمن بریتانیا و انجمن همایونی آسیایی لندن، انجمن شرقی مسکو و لنینگراد، انجمن امپراتوری برلین و انجمن آسیایی لندن، انجمن شرقی آتوریوپ مشتشرق معروف آمریکایی، هر یک از انجمنهای یاد شده در راه ترقی ادبیات و علوم و اکتشافات جغرافیایی خدمات شانی کرده‌اند و مجلات و مقالات مفیدی انتشار داده‌اند که در تحقیقات علمی و ادبی منابع بسیار مفیدی به شمار می‌آیند. انجمن همایونی آسیایی لندن و انجمن آسیایی پاریس مخصوص تحقیق و تتبع در خطوط والسنه و ادبیات و لغات متداول مشرق زمین است.

کتابخانه‌های سایر بلاد اسلامی

۱- کتابخانه‌ای ترکیه- در کشور ترکیه دهها کتابخانه غنی و ارزشمند از خطی و چاپی وجود دارد و باید بگوییم زمانی که امپراتوری عثمانی قدرت یافت و سرزمینهای شمال آفریقا و غرب آسیا را تحت حکومت خویش در آورد اکثر کتابهای کتابخانه‌های کشور مفتوحه را به استامبول که پایتخت آن امپراتوری بود انتقال داد از این لحاظ استامبول بزرگترین مرکزی کتابها و کتابخانه‌های عالم گردید که معروفترین آنها عبارتند از:

۱- کتابخانه فاتح، کتابخانه ایاصوفیا، کتابخانه سلیمانیه، کتابخانه فواد

کیرولی، کتابخانه جامع، و ... در آنکارا کتابخانه ملل و در شهرهای دیگر

چون کتابخانه قونیه و کتابخانه

۲- در مصر کتابخانه الازهر قاهره، کتابخانه دارالحکمه.

۳- در پاکستان کتابخانه اسلام آباد و پیشاور

۴- در هند کتابخانه علیگرد

۵- در سوریه کتابخانه دمشق، کتابخانه طرابلس، عبدالله پاشا عظیم

مدرسه احمدیه حلب.

از جمله کتابخانه‌های معروف جهان اسلام می‌باشند.

منابع و مآخذی که در نگارش این جزوه از آنها استفاده شده است

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم، آیت ... محمدحسین طباطبایی، با

مقدمه آیت ... شهید مطهری، موسسه مطبوعات دارالعلم قم. بی تا

۲- بیست گفتار- مرتضی مطهری، انتشارات صدرا (قم)، ۱۳۵۸

۳- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران ۱۳۳۷

(جلدهای مختلف)

۴- تاریخ تمدن، عباس اقبال، تهران، علمی، ۱۳۲۵

۵- تاریخ تمدن، مجیرشیبانی، انتشارات دانشگاه تهران

۶- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، تهران

امیرکبیر

۷- تاریخ دنیای قدیم، کوروفکین، ترجمه م- بیدسرخ، تهران شبگیر

۸- تحقیق در باب تاریخ، آرنولد توینبی، ترجمه وحید مازندرانی،

تهران، توس ۲۵۳۱

۹- تمدن غرب و مبانی آن در شرق- کربن برینتون و ...، ترجمه

پرویز داریوش.

۱۰- جهان بینی علمی، راسل- برتراند (تاثیر علم بر اجتماع) ترجمه

حیدریان، تهران ۱۳۴۶

۱۱- جامعه و طبیعت، علم و فرهنگ موزیان، ترجمه محمدتقی فرامرزی،

تهران شباهنگ

۱۲- حیات و مرگ تمدنها، حبیب ا... پایدار، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران

۱۳- جهان بینی علمی، راسل برتراند، ترجمه حسن منصور، تهران

امیرکبیر، ۱۳۵۵

۱۴- ریشه‌های اقتصادی رسانس، دکتر علی شریعتی مشهد انتشارات هجرت.

۱۵- علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ترجمه احمد آرام

۱۶- فرهنگ اسلامی، استاد محیط طباطبایی، انتشارات بعثت، تهران

۱۷- کلیات عقاید ابن خلدون، دکتر عزت‌الله رادمنش، انتشارات قلم،

تهران ۱۳۵۷

۱۸- متفکران اسلام، بارون کارا دوو، ترجمه احمد آرام

۱۹- مقدمه بر جهان بینی اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، دفتر

انتشارات اسلامی تهران ۱۳۶۲

۲۰- نژاد پرستی و فرهنگ، امه سه زن، ترجمه منوچهر هزارخانی،

تهران، کتاب زمان ۱۳۵۰

۲۱- تاریخ تمدن، نیری لوکاس، (از نو زایی شده‌ها) ترجمه ??? چاپ

اول ۱۳۲۸، انتشارات کیهان

۲۲- مجموعه معارف عمومی، تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگ بشر

۲۳- دایره المعارف، مصاحب